دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان وحی
سال چهاردهم/ شماره ۲۴/ پاییز و زمستان ۱۴۰۲

Bi-quarterly Journal Specialized Guftman-e Wahy
twelfth, Year 14 ,No 24, Autumn & Winter 2023

تأثیر جهان‌بینی بر سبک زندگی از منظر قرآن کریم

□ حسین حجتی *

چکیده

جهان‌بینی و نوع نگاه به هستی از منظر اسلام و غرب تفاوت بنیادین داشته و باعث تغییرات اساسی در سبک زندگی می‌شود. لذا مقالة پیش‌رو در پاسخ به این پرسش که تأثیر جهان‌بینی و باورهای بنیادین بر سبک زندگی چیست، ابتدا به تبیین چند مورد از مؤلفه‌های جهان‌بینی مانند معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی پرداخته و سپس روی‌کرد کلی مکاتب غربی و اسلام را در مورد نگرش به‌آنها اجمالا مقایسه می‌نماید. بدین منظور از روش تبیینی - تحلیلی، اسناد گردآوری شده و منابع معتبر علمی استفاده شده و با مقایسة صورت‌گرفته مشخص شد که نوع جهان‌بینی اسلامی و غربی باعث تغییرات اساسی نگاه‌ها به‌جهان، محیط پیرامون و در نهایت، سبک زندگی آن‌ها شده است. زیرا در جهان‌بینی غربی همة موارد، تحلیل صرفا مادی شده و ورای آن فراتر از تجربه و حس، چیزی دیگری وجود نداشته و اموری غیبی چون وحی، قیامت و معاد، رو ح وغیره احیانا خرافه خوانده شده و بسیاری از رفتارهای انسان نیز قابل تفسیر نمی‌باشد؛ ولی در جهان‌بینی اسلامی که مبتنی بر روی‌کرد عقل‌گرایی خلاقانه، قرآن کریم و سنت است، ورای ماده، امور غیبی بسیاری همچون خدا و خالق هستی، وحی، قیامت، ملائکه، روح و موارد متعدد دیگری قرار داشته و به‌انسان به‌عنوان موجودی چندبعدی نگریسته می‌شود که هویتش را از خداپرستی به دست آورده و زندگی او دارای ویژگی‌ها و سبک خاصی است که با دیگران به‌شدت متفاوت بوده و همراه با نتایجی چون آرامش روحی، سلامت نفسانی، خوش‌بینی، امیدواری، اطمینان خاطر، احساس عزت، تکیه‌گاه محکم و فواید متعدد اجتماعی بوده و در نهایت، حیات طیبه را به‌دنبال دارد.

واژگان کلیدی: جهان‌بینی، سبک زندگی، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، رویکرد اسلامی، رویکرد غربی.

---

* . دانشجوی دکتری فقه سیاسی جامعة المصطفیﷺ العالمیه.

مقدمه

جایگاه و اهمیت جهان‌بینی در زندگی انسان همواره مورد توجه بوده و قرآن کریم از همان آغاز در رویارویی با باورهای جاهلی، خرافی و غیرمنطقی انسان‌های آن دوران و آموزش معارف اساسی و بنیادین، بر نقش جهان‌بینی و باورهای درست تأکید کرده و از انسان‌ها می‌خواهد که با معرفت و شناخت باورهای درست، به آن‌ها ایمان آورده و آن‌ها را به عنوان جهت‌دهندهٔ حرکت عملی خود اختیار نمایند. زیرا برخورداری از اعتقادات و باورهای درست و در یک‌کلام، بهره‌مندی از یک جهان‌بینی صحیح و تنظیم رفتارها، عواطف، و احساسات بر مبنای آن نوع از جهان‌بینی، زندگی انسان‌ها را هدف‌مند و معنادار ساخته و آنها را به تکامل، سعادت و سلامت رهنمون می‌شود.

مسلم است که باورها و جهان‌بینی انسان هنگامی دارای اهمیت خواهند شد که انسان به آن قلبا گرایش پیدا نموده و اعمال و رفتار خود را بر طبق آن تنظیم نماید. زیرا ایمان و یقین قلبی نوعی گرایشی است که برآمده از شناخت‌ها و نگرش‌های فرد بوده و التزام عملی به آن باورها و جهان‌بینی، به انسان شخصیت و هویت می‌بخشد.

براین اساس، مقالهٔ حاضر در پی تبیین منظومه‌ای از باورها و معارف بنیادین به‌عنوان جهان‌بینی اسلامی، به تأثیر آن‌ها بر سبک زندگی و ساختار شخصیت انسان از منظر قرآن می‌پردازد.

بیان مسأله

جهان‌بینی و باورهای بنیادین انسان در زندگی به‌سان فرمان اتومبیل است که جهت حرکت او را معین نموده و به شخصیت انسان جهت می‌دهد. منظور از جهان‌بینی همان چشم‌انداز انسان و دیدگاه او در مورد نظام هستی، جهان، بشریت و زندگی است که به‌عنوان تکیه‌گاه و زیربنای فکری انسان محسوب شده و همهٔ آیین‌ها، ادیان، مکاتب و فلسفه‌های اجتماعی متکی به نوعی از جهان‌بینی است. هر جامعه‌ای با توجه به‌مبانی مکتب خود، از قبیل نگاه به هستی، خدا و انسان، الگو و سبک زندگی معینی را برمی‌گزینند.

سبک زندگی نیز تمامی شئون حیات جهانی انسان را دربرگرفته و حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که به‌طور نظام‌مند با هم ارتباط داشته و یک شاکلهٔ کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می‌آورد که آن مجموعه عبارتند از: باورها، ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها که در زندگی سبک خاصی را به‌وجود می‌آورند.

با توجه به این ادعا، از مکتب اسلام نیز به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین آسمانی نیز انتظار همین است که یک جهان‌بینی و ایدئولوژی متناسب با آن و سبک زندگی عالی را برای انسان به ارمغان بیاورد. حال با توجه به‌عنوان بحث، پرسش اساسی این است که جهان‌بینی چه تأثیری بر سبک زندگی انسان دارد؟ آیا قرآن کریم در مورد تأثیر جهان‌بینی بر سبک زندگی کدام اشاره‌ای دارد؟ آیا قرآن کریم برای متدینان، جهان‌بینی و سبک زندگی خاصی را معرفی نموده است؟ بنابراین، در این نوشتار سعی بر این است که ابتدا جهان‌بینی و سبک زندگی از لحاظ مفهومی تعریف شده و سپس مؤلفه‌های جهان‌بینی اعم از معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی از دیدگاه اسلامی و غربی به‌اختصار توضیح داده شود و در نهایت تاثیر جهان‌بینی اسلامی بر سبک زندگی از منظر قرآن کریم بررسی شده و مصادیقی از تأثیر این امر بر سبک زندگی مانند آرامش روحی، سلامت جسمانی، خوش‌بینی، امیدواری، احساس عزت و غیره، مختصرا توضیح داده شده و در نهایت به حیات طیبه به‌عنوان محصول نهایی جهان‌بینی اسلامی اشاره گردد.

پیشینه پژوهش

در مورد موضوع سبک زندگی، رساله‌ها و کارهای تحقیقاتی متعددی صورت گرفته که هرکدام از زاویهٔ خاصی به بررسی این موضوع پرداخته است. تحقیقاتی چون: «سبک زندگی و هویت اجتماعی، مصرف و انتخاب‌های ذوقی به‌عنوان شالوده‌ی تمایز و تشابه اجتماعی در دوره‌ی اخیر مدرنیته»، پایان‌نامه آقای حسن چاوشیان تبریزی؛ «بررسی سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلویزیون»، آقای محمدرضا رسولی؛ «بررسی تأثیر مصرف رسانه‌ها بر سبک زندگی ساکنان تهران»، آقای سید نورالدین رضوی‌زاده؛ «بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی و

میزان دینداری بر سبک زندگی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم»، آقای هادی خانی؛ «سبک‌های زندگی جهان‌وطنانه در میان جوانان ایرانی و دلالت‌های سیاسی آن، کتاب الگوهای سبک زندگی ایرانیان»، آقای محمد شهابی؛ «کلیات و مبانی نظری سبک زندگی اسلامی»، آقای علی قنبریان و نوشته‌ها و بررسی‌های دیگری که همه به‌نحوی به بررسی موضوع سبک زندگی پرداخته و از زوایای گوناگون قرآنی، حدیثی، فقهی و غیره به این بحث نگریسته‌اند.

تفاوتی که این نوشتار با تحقیقات پیشین دارد این است که در این بحث به تأثیر جهان‌بینی به ساختار و سبک زندگی از منظر قرآن کریم پرداخته شده است که تا بحال روی این موضوع کار چندانی صورت نگرفته است. بناء در این تحقیق سعی شده است که از این زاویه به بحث پرداخته شود.

ضرورت و هدف تحقیق

مهم‌ترین عنصری که در موجودیت یک جامعه و هویت آن نقش اساسی دارد، سبک زندگی است که برآمده از جهان‌بینی، باورها و ارزش‌های آن جامعه است. بر همین‌اساس، تمام سعی دشمنان یک ملت در تغییر باورها و ارزش‌ها و بالتبع، سبک زندگی آن جامعه است تا زمینهٔ تسلیم و سرسپردگی آنان را فراهم نمایند. از همین‌جا می‌توان بر ضرورت روشن نمودن افکار افراد و جامعه اشاره نموده و سعی کرد تا سبک زندگی افراد به‌منظور ارتقاء، رشد و تعالی زندگی انسان بهبود یافته و زمینه برای تکامل فراهم شود. پس ضرورت و هدف تحقیق همان بهبود سطح زندگی در پرتو ترویج سبک زندگی اسلامی در جامعه دینی در سایه جهان‌بینی اسلامی است، تا از این‌رهگذار بتوان به‌ارتقا و گسترش فرهنگ دینی در جامعه کمک نمود.

مفهوم‌شناسی

الف) مفهوم سبک زندگی

مفهوم «سبک زندگی» از مفاهیم علوم‌اجتماعی بوده و در دانش‌هایی مانند: جامعه‌شناسی،

روانشناسی، مدیریت و ... حضور دارد که از هر دو زاویه «هست‌ها» و «بایدها» به‌آن نگاه می‌شود. از سبک زندگی تعاریف مختلفی شده است؛ مثل: «سبک زندگی از جنس رفتار است که تمایلات آن را هدایت می‌کنند و فرصت‌های زندگی بسته را برای بروز آن فراهم می‌کنند» (تعریف ماکس‌وبر به‌نقل از قنبریان و همکاران، ۱۳۹۴)؛ یا «سبک زندگی الگویی است که از ارزش‌ها و باورهای مشترک یک جامعه و گروه برآمده باشد که به‌شکل رفتارهای مشترک ظاهر می‌شود». (مک کی به نقل از همان)

با توجه به تعاریف «سبک زندگی»، تعریف دومی تا حدی مناسب بوده و در همهٔ آن‌ها دو مفهوم وحدت و تمایز را می‌توان یافت که برگشت به «سبک» دارد؛ زیرا سبک زندگی بر تعدادعناصری اشاره دارد که با هم به‌صورت نظام‌مند در ارتباط بوده و یک کل را به‌وجود می‌آورند که متمایز از کل‌های دیگر است. (کاویانی، ۱۳۹۲: ۱۳۵)

ب) مفهوم جهان‌بینی

چشم انداز اساسی درباره هستی و جهان و ارتباط آن با خود، (ناش، ۲۰۱۰: ۴؛ برندت و کرافورد، ۲۰۲۰: ۸) و دیدگاه انسان در مورد جهان، بشریت و زندگی، جهان‌بینی نامیده می‌شود. (وروم، ۲۰۰۶: ۲۳۰؛ میدیما، ۲۰۰۶: ۱۹۶؛ دیویت، ۲۰۱۸: ۱۸۸)

طبق تعریف دیگر، جهان‌بینی، مجموعه‌ای از باورهای درونی شده است که به‌وسیله جامعه‌پذیری به‌مردم منتقل می‌شود، مردم جهان اجتماعی را به واسطه جهان‌بینی خود، مشاهده، درک، احساس و ارزیابی نموده و ارتباط برقرار می‌کنند. (کافی، ۱۳۹۳: ۳۱)

شهید مطهری می‌گوید، جهان‌بینی نوع برداشت و طرز تفکری است که یک مکتب درباره هستی و جهان داشته و تکیه‌گاه و زیربنای فکری آن به‌شمار می‌رود. (مطهری، ۱۳۹۳: ۷) همهٔ آیین‌ها، ادیان، مکاتب و فلسفه‌های اجتماعی متکی به‌نوعی از جهان‌بینی است. ادیان آسمانی نیز پس از ارائه یک جهان‌بینی درست و واقعی، یک ایدئولوژی متناسب با آن و مناسب با زندگی را به مردم می‌سپارند. (قطب، ۱۳۹۴: ۱۴)

پس همه به‌جهان‌بینی متکی بوده و همان است که بر همهٔ جنبه‌های ادراکی انسان اثر گذاشته و در نتیجه، اعتقادات، نظام‌های ارزشی و شیوه تفکر ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

(کافی، ۱۳۹۳: ۳۱) از آنجا که اعتقادات توسط اقدامات نشان داده می‌شود، پس جهان‌بینی در اقدامات نمایش داده می‌شود. (هافمن، ۲۰۱۲: ۲۴) پس جهان‌بینی مهم‌ترین مسئله در زندگی هر فرد است؛ زیرا هر چیز دیگری مانند موارد آموزشی، شغلی، مالی، خانوادگی و روابط دوستی و غیره اثر یا نتیجه جهان‌بینی فرد است. (ناگل ۲۰۰۲: ۲۰۱۲)

جهان‌بینی همانطوری که تعریفی از حیات و نسبت انسان با عالم ارائه می‌دهد؛ چشم‌اندازی از هدف و غایت او در عالم را نیز بیان می‌کند. (ابوئی و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۲) بر همین اساس است که هر سازمانی با توجه به نوع جهان‌بینیی که دارد، چشم انداز و اهداف مخصوص به‌خود را تعیین می‌نماید و همین امر، باعث تفاوت دو سازمان مشابه می‌گردد.

نقش جهان‌بینی در ساختار سبک زندگی

به‌قضاوت‌های انسان دربارۀ هستی و جهان، به‌خصوص مبدأ و معاد، جهان‌بینی اطلاق می‌شود که اگر این قضاوت‌های عقلانی انگیزه‌ای برای رفتار انسان شود، در آن صورت به یک نگرش تبدیل می‌گردد. (هاشمی، بی‌تا: ۱۵) از آنجایی که نگرش‌های کلی انسان نقش اساسی در سبک زندگی افراد دارند، می‌توان گفت جهان‌بینی مبنای نظام ارزشی و مدل زندگی انسان بوده و جهت‌گیری او را در زندگی مشخص نموده و جهان و حیات را معنادار می‌سازد.

نگرش‌های کلی، در تمام رفتارهای انسان حضور داشته و به‌سان نخی در میان مهره‌هاست که موجب پیوند رفتارهای پراکنده می‌گردد. ممکن است در ابتدا مشترکات زیادی در سبک زندگی مسلمان و غیرمسلمان یافت شود؛ اما با تعمق درخواهیم یافت که این‌ها یک‌سان نبوده و هرکدام منطبق با نگرش‌های زیربنایی افراد هستند و حتی نخ‌تسبیح‌هایی وجود دارند که براین نگرش‌های کلی تأثیر دارند. (کاویانی، ۱۳۹۲: ۱۵۱)

بر این‌اساس، جهان‌بینی اثر زیادی بر انتخاب روش‌ها در برآوردن نیازهای جسمی، مادی و روحی دارد. نگاه مادی‌گرایانه به عالم، بسیار متفاوت با نگاهی است که ورای ماده به معنویات و مجردات توجه دارد ولو مشترکات ظاهری زیادی هم داشته باشند. یعنی دید مادی‌گرایانه به جهان و هستی بایدهایی را به‌دنبال دارد که متمایز از بایدهایی با دید فرامادی

است. کسی که تمام هستی را فقط امور حسی می‌داند، روش‌هایی را در زندگی انتخاب می‌کند که متناسب با دیدگاهش به هستی بوده و محدودیتی غیر از این برای او نیست و به هر روشی برای برآوردن نیازش متوسل می‌شود، مگر اینکه به مصلحت زندگی مادی او نباشد و تمام همت او به لذایذ مادی خلاصه شده و غیر از آن، چیزی برای او مطرح نبوده و همان را هدف نهایی می‌داند. (قنبریان، ۱۳۹۴)

اما افرادی که نگاه فرامادی به هستی و جهان دارند، منابع و نعمت‌های آن را امانت‌هایی می‌دانند که خداوند متعال در اختیار آنان نهاده تا نیازهای شان را منطبق با حدود الهی برآورده ساخته و به‌هدف بالاتر بیندیشند. چنین افرادی نگاه شان به جهان و منابع آن نگاه ابزاری بوده و از این‌ها برای رسیدن به اهداف بسیار متعالی بهره‌برداری می‌کنند. (همان)

از این‌رو، نگرش‌های انسان به هستی، تمام مراحل زندگی‌اش را تحت‌تأثیر قرار داده و موجب تمایز در انتخاب روش‌ها و انگیزه‌هایش می‌گردد که مواردی مانند انضباط و مشارکت اجتماعی، الگوی مصرف، شادی و نشاط و دیگر ابعاد سبک زندگی یکسره تحت‌تأثیر جهان‌بینی مختلف، متفاوت گشته و این موضوع، اهمیت خاصی در سبک زندگی دارد. (همان)

مؤلفه‌های جهان‌بینی

جهان‌بینی که به عنوان مبنا و اساس ارزش‌ها و رفتارها در زندگی محسوب می‌شود، خودش نیز از مؤلفه‌هایی تشکیل شده است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱. معرفت‌شناسی

در این‌که آیا امکان شناخت و معرفت در بارهٔ هستی و جهان برای انسان وجود دارد یانه، مکاتبی چون پوزیتیویسم، تفسیرگرایی و انتقادگرایی در بارهٔ شناخت جهان و نظام هستی نظرات متفاوتی داشته و مواضع گوناگونی نیز در برابر جایگاه عقل سلیم، فهم عرفی، عقاید، باورها و برداشت‌های عملی مشترک مردم در معرفت‌شناسی و شناخت جهان اتخاذ کرده‌اند. (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۹)

پوزیتیویست‌های افراطی قایل به‌این هستند که حس، به‌عنوان مبدأ علوم و ملاک درستی

آن بوده و علوم غیرتجربی و غیرحسی از درجة اعتبار ساقط‌اند؛ اما پوزیتیویست‌های معتدل معتقدند که ادراکات بشری در ابتدا با حواس پنجگانه آغاز شده و پس از آن، عقل توانایی درک مفاهیم کلی و قوانین فراگیر را داشته (درخشان‌فر، ۱۴۰۲: ۲۳۳) و می‌تواند امور غیرحسی را درک کند.

عقل گرایان بر این عقیده‌اند که عقل انسان مفاهیمی چون خدا، زمان و مکان را به‌صورت مستقل و مقدم بر تجربه و حس، درک می‌نماید؛ اما فلاسفة مسلمان بر این‌نظرند که دانش انسان از حس ظاهر آغاز شده و در ادامه به ابزار دیگری چون علوم حضوری، حس باطن و عقل نیازمند است. (شیروانی، ۱۳۹۵: ۶۱) البته مسلمانان تنها به آگاهی حصولی و عقل نظری برای درک حقایق اکتفا نکرده و عقل تنها را برای درک همه حقایق ناکافی می‌دانند. (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۹۲ ب: ۳۸)

تفسیرگرایان برای درک و فهم جهان و نظام هستی، به درک، فهم و باورهای عمومی و عرفی روی آورده و آن را به‌عنوان یک منبع اطلاعات برای فهم جهت‌گیری عملی انسان و پیش‌فرض‌های آنان درباره جهان می‌دانند. اما انتقادگرایان بر این باورند که شعور عامیانة مردم یا فهم عرفی از جمله شعور مذهبی، باورهای کاذبی است که قدرت و شرایط عینی را در خود پنهان می‌کنند که محقق باید آن‌ها را افشا کند. (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۲)

در مقابل نحله‌های مختلف و معرفت‌شناسی غربی، معرفت‌شناسی اسلامی قرار دارد که مبتنی بر روی‌کرد عقل‌گرایی خلاقانه می‌باشد. این روی‌کرد عقل‌گرا بوده و عقل را خصیصة ذاتی انسان می‌داند و معتقد است که باید با ابزار عقل به تفکر و تعمق در کائنات پرداخته و به سؤالات پاسخ داد. (مرزوقی، ۱۳۹۸ الف: ۱۲۹) این عقل است که قادر به شناخت حق از باطل بوده و هدف از عقل و بصیرت، شناخت واقعیت‌ها، آرمآن‌ها و اندیشه‌هاست. (پورجوادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۷)

در معرفت‌شناسی اسلامی، وحی نیز از منابع معرفتی محسوب شده و وحی هیچگاه ضد یا نقیض علم نبوده بلکه به‌عنوان مکمل معرفت بشری در راه رسیدن به وضعیت مطلوب و آرمان‌ها است. پس وحی نیز به‌عنوان خاستگاه بخشی از معارف بشری مورد تأیید این نگرش

اشت. (کافی، ۱۳۹۳: ۴۱) در واقع اسلام سه سطح معرفت حسی، عقلی و شهودی را به رسمیت شناخته و معرفت وحیانی را با مضامینی از سنخ هر سه حوزه (حسی، عقلی، شهودی) و حوزه های فراتر از آن، منبع مستقل معرفت می‌داند. (رحیم پورازغدی، ۱۳۹۲ ب: ۳۹)

واقعیت‌ها و امور حقیقی در معرفت‌شناسی اسلامی شامل هردو عالم غیب و شهود بوده و وحی هم یکی از مبانی مهم معرفتی محسوب شده و رأی نهایی با معارف وحیانی است؛ زیرا معرفت حاصل از طریق وحی، از معارفی که از طریق حس، عقل و شهود حاصل می‌شوند بالاتر است؛ (ایمان و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۶۳) این در حالی است که اعتقاد به خداوند، وحی و معارف الهی، از زندانی بزرگ علم و تمدن غربی محسوب می‌شوند. همان‌طوری که حضرت مسیح نیز در نزد برخی، از زندانی بزرگ کلیسا محسوب می‌شود. (مرزوقی، ۱۳۹۸ الف: ۹۹)

به‌طور کلی، معرفت در دین اسلام از خصوصیات انسان بوده و آیات متعددی در قرآن کریم به این مهم اشاره دارند. انسان تنها موجودی است که علم الاسماء آموخته است (بقره/ ۳۱) به‌گونه‌ای که حتی فرشتگان از آن بی‌بهره اند (بقره/ ۳۲) و به هر کس که حکمت داده شود به یقین خیری فراوان داده شده است (بقره/ ۲۶۹). علم و آگاهی، قدر آدمی را رفیع می‌گرداند (زمر/ ۹) و آنان که از عقل سلیم پیروی نمی‌کنند به مانند چارپایان، کر و کور و لال هستند (بقره/ ۱۷۱) و قطعاً بدترین جنبندگان نزد خدا کر و لال‌های هستند که نمی‌اندیشند، (انفال/ ۲۲) علم، هدیه ای الهی است (اسراء/ ۱۰۷)، قوانین حاکم بر طبیعت را باید کشف و به کار بست (کهف/ ۹۲ و ۹۳) و مطالعه در هستی، زمینه ایمان به خداست. (حج/ ۶۳)

۲. هستی‌شناسی

همان‌گونه که اشاره شد، نگرش به هستی از نگرش‌های بسیار اثرگذار در سبک زندگی افراد بوده و هر فرد، مجموعه هستی را به هر شکلی که می‌بیند بر همان اساس نیز اهداف و مسیرهای زندگی خود را ترسیم می‌کند.

درباره نگرش به هستی مذاهب متفاوت و زیادی ظهور یافته که همة آن‌ها به دو مکتب اصلی مانند مکتب الهی و مکتب مادی برگشت می‌کنند. از نگاه مکتب مادی، امور ماوراء

ماده، مانند عقول و مجردات، وحی، نبوت و غیره افسانه، خرافه و افیون بوده و قرآن در وصف این‌ها می‌فرماید: «**وَإِذَا تُتْلَى عَلَيهِمْ ءَايَاتُنَا قَالُواْ قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ**» (انفال/ ۳۱)، «**يَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ**». (انعام: ۲۵) این نوع تفکر الحادی بعد از عصر رنسانس دوباره احیا شده و دامنهٔ تبلیغات آن به افکار برخی از مسلمانان نیز سرایت کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۶۶)

از نگاه مکتب مادی‌گرا، حقیقت و اساس هستی، ماده بوده و پدیده‌هایی چون روح، حیات، تفکر و شعور نیز شکلی از ماده هستند و تفکر و اندیشه، محصول فعالیت توده مادی مغز بوده و فقط از لحاظ شناختی ارزش دارد. (گوتک، ۲۰۱۳: ۶۸) در بین مکاتب مادی‌گرای غربی، مکتب پراگماتیسم واقعیت جهان را تجربه بی‌ثبات و نامعین می‌داند که انسان بخشی از تجربه و از طبیعت بوده و موجودات غیر طبیعی و عقلانی وجود نداشته و همه چیز در جهان و هستی در اثر تجربه است. (میرزامحمدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۶) مکتب پست‌مدرنیسم معتقد است که واقعیت، ساخته ما بوده و ما آن را براساس علاقه‌ها، نیازها و فرهنگ خود شکل می‌دهیم و واقعیتی به‌صورت مستقل و غیر از ما وجود ندارد. (فرمیهنی، ۱۳۸۹: ۶۱) هستی از منظر پوپر از جهان سه‌گانه تشکیل شده است که ضمن ارتباط آن‌ها با یک‌دیگر، هیچ یک ارزش بیشتر از دیگر ندارد: ۱. جهان طبیعی با حالت‌های فیزیکی؛ ۲. جهان ذهنی؛ ۳. جهان معقولات که شامل نظریه‌ها، استدلال‌ها و روابط منطقی است. (پولادی، ۱۳۹۸: ۱۲۸)

با نگاهی به مکاتب غربی درمی‌یابیم که غیر از مکتب ایده‌آلیسم، که خداوند را روح مطلق، قدرت ازلی و آفرینش را ساخته او می‌داند؛ بقیه مکاتب، جهان و واقعیت را یا مادی و حاصل تجربه و ساختهٔ ذهن می‌دانند و یا به چندجهانی معتقد هستند.

اما از دیدگاه مکتب الهی و اسلام، کل نظام هستی آفریده پروردگار بوده و اوست که همهٔ عالم را پس از خلقت، در حوزهٔ هدایت تکوینی خویش قرار داده (طه/ ۵۰) و واقعیت را که نامتناهی و دارای سطوح غیب و شهود است (بقره، ۳۳)، نمی‌توان بدون خالق و صانع تعریف نمود.

تمام اجزاء هستی و عوالم غیب، شهود و مراتب شناخته و ناشناخته آن، از دیدگاه قرآن

کریم، مخلوق خداوند و تجلی اسماء و صفات او بوده و با یکدیگر هماهنگ، مرتبط (بقره/۲۳۱)، شعورمند (اسراء/ ۴۴)، قانون‌مند (یونس/ ۲)، هدف‌دار (عنکبوت/ ۴۴)، در حال تکامل (اعراف/ ۵۴) و مطیع خداوند هستند. (رعد/ ۱۵) چیزی غیر از آیات او در هستی وجود ندشته و از این نظر، تفاوتی بین عوالم غیب و شهود، دنیا و عقبی، ماده و معنا و کلی و جزئی وجود ندارد. از نظر هستی‌شناسی اسلامی تمامی عوالم و مراتب وجود، همگی واقعیت داشته و همة هستی از او بوده و به سوی او برمی‌گردد؛ «إنّا لله وإنا إليه راجعون». (بقره/ ۱۵۶) (مرزوقی، ۱۳۹۸ب، ص۱۳۸)

طبق گفتة علامه طباطبایی، یکی از امتیازات قرآن همین است که «هیچ کتاب آسمانی مثل قرآن، علم و معرفت برهانی را در این‌باره مطرح نکرده است». (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ۷۶) قرآن‌کریم در مورد مخلوق بودن هستی می‌فرماید: «**أَفِي ٱللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ ٱلسَّمَاوَاتِ وَٱلْأَرْضِ**». (ابراهیم: ۱۰)

به‌طور کلی، صاحبان فکر و اندیشه در میان مسلمانان با برخورداری از وحی، هرگز به ماورای عالم ماده با دیدی شک و تردید نگاه نکرده و با بهره‌گیری از آیات و روایات فراوان و بهره‌مندی از تفکر و تدبر و ارائة مطالب مهمی در قالب اشکال منطقی و استدلال‌های عقلی، این مسأله را به صورت یقینی و قطعی اثبات کرده‌اند.

۱-۲. مؤلفه‌های هستی‌شناسی از منظر اسلام

هستی‌شناسی از منظر اسلام دارای مؤلفه‌هایی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) توحید و خدامحوری

از خصوصیات شاخص قرآن کریم ایجاد بینشی عمیق و ایجاد اعتقاد برای انسان نسبت به توحید و خدامحوری در زندگی مبتنی بر جهان‌بینی الهی بوده و اعتقاد به‌خدا هم اولین عامل خدامحوری در تمام کارها است؛ و کسی که به خدا ایمان نداشته باشد، خدامحوری در بارة او بی‌معناست: «و اذا قيل لهم آمنوا كما آمن الناس قالوا أ نؤمن كما آمن السفهاء و لكن لا يعلمون». (بقره/۱۳) از طرفی هر قدر که ایمان به‌خدا بیشتر باشد، محوریت خدا در زندگی و

فعالیت‌های فرد مؤمن هم بروز بیشتری خواهد داشت:

ومن الناس من یتخذ من دون الله أندادا یحبونهم کحب الله والذین آمنوا أشد حبا لله (بقره/ ۱۶۵)؛ و برخی از مردم در برابر خدا همانندهایی برای او برمی‌گزینند و آن‌ها را چون دوستی خدا، دوست می‌دارند ولی کسانی که ایمان آورده‌اند، به خدا محبت بیشتری دارند .

روش هدایت و تحول‌آفرینی قرآن بدین‌صورت است که ابتدا انسان را متوجه خلقت، آغاز و فرجام هستی (مبدأ و معاد) نموده و در این راستا، معرفی خداوند، انهدام شرک، نابودی اعتقادات مشرکان و حرکت بر مبنای توحید را سرلوحهٔ کار قرار می‌دهد؛ زیرا با عدم تبیین این نقطهٔ مرکزی و جهان‌بینی، سایری تلاش‌ها بی‌ثمر و ابتر خواهد بود. (مطهری، ۱۳۶۴: ۲۶۹)

آغاز و پایان جهان و انسان از منظر قرآن، خداوند متعال است و اوست که هستی و انسان را آفریده و بازگشت همه به سوی او بوده (بقره/۱۵۵) و فلسفهٔ این حرکت، اکتساب فضایل است (عنکبوت/۲) که از طریق شناسایی خداوند و آراستگی به اخلاق او، به کمک عقل، وحی و ریاضت نفسانی میسر گشته و جملهٔ «تخلقوا باخلاق الله» مبنای این تقرب و تشبه است.

قرآن کریم با توجه‌دادن افکار متفکران به پدیده‌های عالم خلقت و آثار قدرت، علم و حکمت خداوند در طبیعت، ذات پروردگار و صفات جمال و جلال او را آشکار ساخته و با آیاتی مانند: «**او لم ینظروا فی ملکوت السماوات و الارض و ما خلق الله من شئ**» (اعراف/۱۸۵) و «**افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت، و الی السماء کیف رفعت، و الی الجبال کیف نصبت، و الی الارض کیف سطحت**» (غاشیه/۱۷-۲۰) افکار را تکان داده و کسانی همچون اعراب را که هیچ‌گاه به تفکر و استدلال عادت نداشت، به این مسأله مأنوس ساخته و به آنان آموخت که می‌توان از جهان محسوس به رازهای عالم نامحسوس پی برده و بدان ایمان آورد.

نظام آفرینش از منظر اسلام، نیکوترین نظام ممکن بوده که به‌دست توانای خالقی دانا، حکیم و عادل آفریده شده است که بر اساس حکمت خود استحقاق هیچ موجودی را مهمل نگذاشته و تمام اشیاء و افراد را منطبق با استحقاق او برخوردار می‌سازد؛ «الذی احسن کل

شیء خلقه» (سجده/۷) و «ربنا الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی». (طه/۵۰)

خدایی که علاوه بر خالقیت، مدبر و اداره کنندهٔ هستی نیز بوده و انسان با تقویت ارتباط با او هرگز احساس تنهایی و ناامنی نمی‌کند. اعتقاد به‌خدا از منظر اسلام، محوری‌ترین باورها بوده و بر همهٔ میدان‌های شناختی انسان تاثیر گذاشته و باورهای دیگر حول این محور می‌چرخند.

ب) ایمان به غیب و باور به‌امدادهای غیبی

در بحث از هستی، بخشی از آن مثل: زمین، آسمان، ستارگان و غیره، که همین طبیعت اطراف ما را تشکیل می‌دهد؛ بخش پیدای هستی است که قرآن در مورد آن سخنان متنوع و بسیاری دارد. اما بخش بزرگ و اساسی آن، مربوط به غیب آن است که از دید مادی ما پنهان بوده و شامل مواردی چون: خدا، فرشتگان، جن، شیطان، روح، برزخ، قیامت، بهشت، دوزخ و غیره می‌شود که قابل مقایسه با بخش طبیعی و شهود آن نبوده و سهم بسیار بزرگی را به‌خود اختصاص داده است؛ گرچه ممکن است به‌واسطه مأنوسیت و درگیری ما با بخش مادی و شهود، بخش غیب هستی برای ما نامأنوس باشد که بسیاری از اشکالات در سبک زندگی انسان‌ها ناشی از همین نامأنوس بودن و باورنداشتن به غیب است. اعتقاد واقعی به اسلام در صورتی ممکن است که انسان ایمان به‌غیب داشته و این مسأله برای او حل شده باشد. انسان در زندگی می‌تواند به برخی از مصادیق غیب علم پیدا کند و برخی نیز از اختصاصات پروردگاه بوده و هیچگاه برای انسان روشن نخواهد شد (قنبریان و همکاران، ۱۳۹۴) و فقط خداوند است که به تمام معنی، عالم غیب و شهود (انعام/۷۳) و همه آن در اختیار او بوده (انعام/ ۵۹) و کسی دیگر از آن مطلع نمی‌شود مگر به اذن پروردگار. (انعام/۵۰)

در مورد امدادهای غیبی در زندگی بشر نیز خداوند در قرآن می‌فرماید: «هو الذی أنزل السکینة فی قلوب المؤمنین لیزدادوا إیمانامع إیمانهم». (فتح / ۴) طبق این آیه مسلم است که نتیجهٔ ایمان به خدا، امدادهای غیبی الهی در زندگی انسان مؤمن بوده و وجود این امدادها مایهٔ آرامش آنان‌اند.

قرآن کریم در آیة دیگری می‌فرماید:

یا ایها النبی حرض المؤمنین علی القتال إن یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائة یغلبوا ألفا من الذین کفروا بأنهم قوم لا یفقهون

(انفال/ ۶۵)؛ ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ با دشمن تشویق کن! هر گاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آن‌ها گروهی‌اند که نمی فهمند!

این نمونهٔ دیگری از امدادهایی غیبی است که خداوند به مؤمنان راستین وعده می‌دهند، تا آنان در مسیر زندگی ثابت‌قدم و مقاوم بوده و با تمام انگیزه به‌سوی هدف اصلی رهسپار شوند. پس ایمان به خدا در زندگی، از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عامل آرامش و اطمینان قلبی انسان‌ها بوده (رعد/۲۸) و موجب کارآمدی انسان مؤمن و باعث رشد و تعالی او در همه ابعاد وجودی گشته و سبب برتری او بر انسان غیرمؤمن از لحاظ روحی و فکری می‌گردد و همین برتری روحی و کیفی در مقابلة ایمان و کفر، معادلات را به نفع مؤمنین تغییر می‌دهد. (فیروزی، سال ۱۳۹۳: ۴۹)

براین اساس، ایمان به‌غیب و باور به‌امدادهای غیبی موجب تقویت اراده و فراهم نمودن زمینة موفقیت در زندگی گشته و مسیر را به‌سوی تعالی هموار می‌کند.

ج) معاد و عالم آخرت

ابدیت طلبی از جمله نیازهایی است که ذاتی انسان بوده و در دنیای مادی امکان پاسخ درخور برای آن نیست. از این رو، برخی فیلسوفان، علت اصلی نگرانی و اضطراب انسان را نگرانی حاصل از میل به جاودانگی از یک سو و علم به‌فناپذیری از سوی دیگر می‌دانند. (میزیاک و سکستون، بی‌تا، ص ۶۵۲)

قرآن کریم ضمن به‌رسمیت‌شناختن این نیاز فطری انسان، بهترین راه پاسخ‌گویی به آن را باور به‌وجود جهانی می‌داند که ویژگی اصلی آن، ابدیت، ماندگاری، امنیت‌بخشی و سلامت‌آفرینی است و می‌فرماید: «کل نفس ذائقة الموت و انما توفون اجورکم یوم القیامة»؛ (آل عمران/ ۱۸۵) «هرجانداری چشندهٔ مرگ است، و همانا روز رستاخیز پاداش‌های تان به طور

کامل به شما داده می‌شود».

خداوند متعال در مقام مقایسهٔ سرای فانی با جهان باقی، زندگی دنیا را متاعی اندک و زندگی آخرت را نیکوتر و پایدارتر معرفی نموده و به انسان گوش‌زد می‌کند که اعمال و رفتار آن‌ها در این دنیا، سرنوشت آن‌ها را در جهان آخرت تعیین نموده و پاداش و جزای اعمال‌شان در جهان آخرت داده خواهد شد. (مهدوی‌راد، ۱۳۹۰: ۱۸۳)

اعتقاد به معاد و روز واپسین از مهم‌ترین عامل توجه به خداوند متعال بوده و می‌توان گفت که به‌موجب همین است که آیات مربوط به‌معاد، حجم و تعداد بیشتری نسبت به سایر آیات دارد. توجه و اعتقاد به‌حیات پس از مرگ و باور به دریافت پاداش در آن جایگاه براساس اعمال و رفتاری نیکی که انسان در دنیا انجام داده و اعتقاد به ثواب و عقاب در آن روز، وی را به انجام اعمال خداپسند و نیکو سوق خواهد داد. از طرفی انکار معاد موجب کج‌روی انسان‌ها در زندگی و عدم اهمیت به‌کارهای نیکوست: «أیحسب الإنسان ألن نجمع عظامه * بلی قادرین علی أن نسوی بنانه بل یرید الإنسان لیفجر أمامه» (قیامت/۵-۳)؛ آیا انسان گمان می‌کند که نمی‌توانیم استخوآن‌هایش را جمع کنیم؟! [نه تنها قادر به جمع استخوان‌هاییم بلکه قدرت داریم که سر انگشتان او را نیز به حالت اول برگردانیم. [انسان شک در معاد ندارد بلکه می‌خواهد] آزاد بوده و بدون ترس از دادگاه قیامت در تمام عمر گناه کند.

کسانی که عالم را محدود به زندگی مادی دانسته و برای آن ادامه‌ای قائل نیستند، تلاش‌های خود را بی‌ثمر دانسته و یأس بر آنان حاکم می‌شوند؛ اما آن‌هایی که زندگی را فراتر از زندگی مادی دانسته و ورای آن به عالم دیگر معتقد هستند، هیچ‌گاه دچار ناامیدی نشده و تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا در آن جهان از اعمال نیکو بی‌بهره نباشند؛ «و ماتقدموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند الله إن الله بماتعملون بصیر» (بقره/ ۱۱۰)؛ و هر خیری که برای خود از پیش می‌فرستید، آن را نزد خداوند متعال [در سرای دیگر] خواهید یافت، همانا خداوند به اعمال شما بیناست.

انسان با اعتقاد به‌چنین جهانی، می‌تواند با کل هستی، ابدیت و ماورای ماده ارتباط برقرار نموده و با معنابخشیدن به زندگی، از آسیب‌های سخت روحی همچون احساس پوچی،

سردرگمی، ترس از نیستی و جدایی از دلبستگی های دنیوی، ناتوانی از مقابله با دشواری‌ها و رنج زندگی در امان بماند. (مهدوی‌راد، ۱۳۹۰: ۱۸۳)

معادباوری اعتماد به نفس و قدرت انسان را بر صبر و تحمل رنج‌های زندگی افزایش و احساس امنیت و آرامش را در نفس او قرار داده و این گونه او را غرق در احساس خوش‌بختی می‌کند. امام حسین علیه‌السلام در توصیف مرگ می‌فرماید: «مرگ برای شما همانند پلی است که از محیط رنج و زحمت عبورتان می‌دهد و به بهشت وسیع و نعمت‌هایش می‌رساند. کدام یک از شما بی‌میل است که از تنگنای زندان به‌کاخ مرفهی منتقل گردد». (مجلسی، ۱٤۰٤، ج ص ۲۹۷)

د) هدف‌مندی هستی و پیوستگی دنیا و آخرت

آیاتی که اشاره به حکمت خداوند داشته و حق بودن جهان هستی را یادآور شده (انعام/۷۳) و خلقت جهان هستی را سرگرمی و بازیچه نمی‌دانند (انبیاء/۱۶) و همین‌طور آیاتی که هدف‌دار بودن زندگی انسان را یادآور شده (مؤمنون/۱۱۵) و مقصد نهایی همه دگرگونی‌ها را به‌سوی خدا (شوری/۵۲) معرفی می‌کنند، همگی دلالت بر این مطلب دارند که تمامی اعمال الهی دارای هدف صحیح بوده و هستی کاملا هدف‌مند است.

هدفی که در جهت تعالی و رشد انسان در نظر گرفته شده و باید او مسیر تکامل را پیموده و به مقام قرب الهی برسد؛ «و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون» (ذاریات/۵۶) و پیش از رسیدن به هدف عالی، باید امتحاناتی را پشت سر بگذارد: «الذی خلق الموت والحیاة لیبلوکم أیکم احسن عملاً». (ملک/۲) از این‌رو، تمامی وسایل آزمایش و ابزار شناخت در اختیار او نهاده شده و محدود بودن زمان و مکان آزمایش و ویژگی‌های آن به او یادآوری و همه امکانات برای رشد استعدادهای او فراهم شده تا او با شناخت راه تکامل و حرکت در آن مسیر، شایسته خلود در جوار رحمت الهی گردد. پس هدف از آفرینش جهان، آزمودن انسان و برگزیدن راه بندگی و رسیدن او به مقام قرب و تکامل است. بنابراین؛ با شناخت هدف‌مندی جهان هستی، زندگی معنادار گشته و انسان از افسردگی، پوچ‌گرایی و بسیاری از امراض روحی در اثر ناتوانی تفسیر درست زندگی، رهایی می‌یابد.

اما آنانی که هدف از زندگی را در قالب حیات مادی دنیوی جستجو می‌نمایند، به‌خاطر محدودیت جهان طبیعی و عالم مادی، هرگز پاسخ خود را در آن نیافته و درمانده خواهند گشت.

از منظر اسلام، دنیای قبل از تولد، بعد از تولد، مراحل پس از مرگ و قیامت و مواقف مختلف آن تا بهشت و جهنم همگی یک‌پارچه و به‌هم‌پیوسته بوده و دنیا به تنهایی ارزش اصلی نداشته و فقط مزرعه‌ای برای عالم آخرت است و این عالم است که اصیل بوده و به عنوان دارالقرار است. (انعام: ۳۲) در این بین، خداوند انسان را به‌واسطة مختار بودنش، مسئول کارها و اعمال خودش قرار داده (آل‌عمران: ۱۴۵) و اوست که با توجه به‌امکانات، استعدادها، ظرفیت‌ها و سرمایه‌های خود، مراحل بعدی را می‌سازد. اوست که در بازار دنیا و در این صحنه تجارت، وارد میدان شده و با تمام تلاش، سرمایه‌های خود را به‌کار گرفته و باید دنبال سود بیشتر باشد و در صورت کم‌کاری، غفلت و بدکاری، ممکن است سرمایه‌های خودش را از قبیل عمر، امکانات مادی و معنوی، توانایی‌های جسمی و روانی و غیره را از بین برده و کدام نفع و سودی عاید او نشود و ای‌بسا ممکن است با توانایی‌ها و سرمایه‌های خود دیگران را نیز از پیمودن راه درست باز دارد. (نحل: ۸۸)

بنابراین؛ تمام اجزاء هستی هدف‌مند و همه مراحل آن به‌هم‌پیوسته و ناگسسته بوده و ناممکن است کسی در آخرت، به محصولی غیر از کِشتة خود دست یابد.

هـ) نظارت الهی بر نظام هستی

نظارت در قرآن کریم تفاوت اساسی با نظارت در نظام‌های غیر الهی داشته و از دیدگاه غرب، کنترل و نظارت، بیرونی بوده و بر افراد سازمان تحمیل می‌شود و هدف آن رسیدن به سود بیشتر است. اما نظارت الهی از منظر قرآن، آن نظارتی است که بر انسان به هدف رشد و کمال اعمال می‌گردد. (فیروزی، ۱۳۹۳: ۴۴)

نظارت الهی کامل‌ترین نوع نظارت بر عمل‌کرد انسان بوده و او همواره نظارت خداوند را بر رفتار و کردار خود احساس نموده و او را ناظر بر تمامی اعمال و فعالیت‌های خود می‌داند

و این احساس نظارت، از عوامل بسیار مؤثر کنترل انسان و جامعه بوده که هم انگیزهٔ قوی برای اعمال شایسته و هم بازدارندگی مناسب از اعمال نادرست را برای انسان ایجاد می‌کند. (فیروزی، ۱۳۹۳: ۴۴) قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید: «ربنا إنك تعلم ما نخفی ومانعلن و ما یخفی علی الله من شیء فی الأرض ولا فی السماء»، (ابراهیم/ ۳۸)؛ پروردگارا، بی‌گمان تو آنچه را پنهان می‌داریم و آنچه را آشکار می‌سازیم می‌دانی و چیزی در زمین و در آسمان بر خدا پوشیده نمی‌ماند .

هم‌چنین می‌فرماید: «و هو الله فی السماوات وفی الأرض یعلم سرکم و جهرکم ویعلم ما تکسبون» (انعام/ ۳)؛ و اوست که در آسمان‌ها و در زمین خداوند است. نهان و آشکار شما را می‌داند و هر چه را به دست می‌آورید [نیز] می‌داند.

علاوه بر نظارت دقیق خداوند بر عمل‌کرد انسان‌ها، بررسی دقیق و حساب‌رسی کردار آن‌ها هم با اوست: «وإلی الله ترجع الأمور». (حدید/ ۵)

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

> **فاتقوا الله الذی أنتم بعینه ونواصیکم بیده وتقلبکم فی قبضته، إن أسررتم علمه، وإن أعلنتم کتبه، قد وکل بکم حفظة کراما، لا یسقطون حقا ولا یثبتون باطلا** (نهج البلاغه، ۱۳۸۷: ۶۰۲، خ۱۸۲)؛ پس بترسید از خداوندی که شما در برابر نظر او هستید و موهای پیشانی و خفت‌وخیز و نشست‌وبرخاست شما در دست اوست. اگر شما اعمالی را پنهانی انجام دهید و با کسی نگویید او می‌داند و اگر آشکار نمایید، می‌نویسد، نگهبانان گرامی را بر شما واداشته که حقی از قلم نمی‌اندازند و بی‌جا و ناکرده را نمی‌نویسند.

و) جریان عدالت الهی در نظام هستی

عدالت و دادگری در آیات قرآن کریم، از صفات الهی قلمداد شده است: «**شهد الله أنه لا إله إلا هو و الملائکة و أولواالعلم قائما بالقسط**» (آل عمران/ ۱۸)؛ خدا و فرشتگان و دارندگان دانش، گواهی می‌دهند که معبودی جز خدای یکتا که به پادارندهٔ عدل است، نیست .

عدل به مفهوم فلسفی، مبنای معاد و به مفهوم اجتماعی، هدف رسالت و نبوت انبیا بوده

(فیروزی، ۱۳۹۳: ۴۴) و آیاتی نیز به این مطلب اشاره دارد: «لقد أرسلنا رسلنا بالبینات وأنزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط» (حدید/ ۲۵)؛ همانا فرستادگان مان را با دلایل روشن فرستادیم و همراه ایشان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به راستی و هدایت گرایند.

نظام آفرینش، بر پایهٔ عدل، توازن، استحقاق‌ها و قابلیت‌ها و به دیگر سخن، بر عدل تکوینی استوار بوده و عدل تشریعی (وضع و تشریع قوانین بر مبنای عدل) نیز همواره رعایت شده و حکمت رسالت و بعثت انبیا نیز حاکم بودن عدل و قسط بر زندگی بشر بوده است. (ر.ک: حدید/ ۲۵)

عدل امر کلیدی است که از دیدگاه قرآن، با امور اعتقادی دیگر رابطهٔ تنگاتنگ داشته و در ارتباط با توحید یا معاد، به نگرش انسان به هستی شکل خاص داده و نوعی از جهان‌بینی را به‌وجود می‌آورد. همین عدل در ارتباط به نبوت و تشریع و قانون، معیار قانون‌شناسی بوده و در ردیف کتاب و سنت قرار می‌گیرد. (مطهری، ۱۳۸۴: ۴۱-۵۹)

۳. انسان‌شناسی

انسان‌شناسی به سیستم معرفتی اطلاق می‌شود که به بررسی ابعاد یا یکی از ابعاد وجودی انسان یا قشر و گروه خاصی از انسان‌ها می‌پردازد. (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۴) طبق روی‌کرد غالبی که غربی‌ها به‌انسان دارد، حقیقت انسان و ماهیت او همان غرائز و استعدادهای دنیوی او بوده و همان‌هاست که محور کنش‌ها، واکنش‌ها و انتخاب‌گری قرار گرفته و مسیر زندگی هرکسی را مشخص می‌کنند. این تصویر از ماهیت انسان، خواسته‌ها و امیال متعددی را در پی خواهد داشت که اجابت هر کدام آن‌ها و آماده کردن شرایط برای پاسخ درخور به آن‌ها، قابل بررسی است. (نبوی، ۱۳۷۶: ۴۰)

مکاتب متعدد غربی مانند: اومانیستی، ماتریالیستی، اگزیستانسیالیستی، کمونیستی و بسیاری از انسان‌شناسی‌های پدیدارشده از تفکر اندیشمندان غربی، در نوع نگاه به انسان، فردیت و اصالت خواسته‌های فردی را به عنوان ماهیت انسان پذیرفته‌اند. (درخشان‌فر، ۱۴۰۲: ۲۳۰) نگرش فعلی غربی‌ها در مورد انسان که به عنوان نظریهٔ غالب جامعه غربی است، سکولاریسم است که سعی در حاشیه‌راندن و حذف نقش دین در حوزه‌های مختلف زندگی

انسان دارد. دین و خدا از منظر مکتب سکولاریسم، اموری غیرواقعی و زاییدهٔ ترس، جهل و یا حاکمان بوده (نقی پورفر، ۱۳۹۴: ۲۸) و واقعیت عینی و خارجی ندارند.

به طورکلی، طبق انسان‌شناسی غربی، انسان موجودی صرفا مادی است که حقیقت و ماهیت او همان غریزه‌ها و استعدادهای دنیوی او بوده و فراتر از آن چیزی نیست.

اما انسان طبق مکتب اسلام، بر خلاف مکاتب دیگر، هویت و معنای وجودیش را در رابطه مستقیم با خدا به دست می‌آورد. (کافی، ۱۳۹۳: ۳۵) انسان‌شناسی دینی از طریق مراجعه به منابع و متون دینی چون قرآن و سنت، به ابعاد، حقایق، ویژگی‌ها و ارزش‌های گوناگون انسانی پرداخته (فروزنده دهکردی و فروغی نیا، ۱۳۹۲: ۲۱) و ماهیت انسان از دیدگاه متفکران اسلامی، همان فطرت اوست که نقش بنیادی را در تنظیم سبک زندگی و به‌کارگیری قوای عقلانی و تجربی و استمداد از کلام وحیانی ایفا می‌کند. (مطهری ۱۳۹۳: ۳۲) انسان، اصول و ارزش‌ها را از طریق فطرت خود در طول زمان‌ها به صورت ثابت حفظ کرده و در قرآن کریم (روم/ ۳۰) نیز بر ماهیت فطری انسان تأکید شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده».

انسان از منظر مکتب اسلام، توانایی و قدرت این را دارد که سرنوشت خود، جامعه و طبیعت را تغییر دهد و این توانایی از طرف خداوند به او اعطا شده است. این خداوند است که انسان را آزاد، مختار و مسئول آفریده و اوست که بار مسئولیت خود را به‌دوش می‌کشد و بر اساس کردار خود مورد بازخواست قرار می‌گیرد. خداوند در مورد مسئولیت‌پذیری انسان می‌فرماید: «**إِنَّا عَرَضْنَا ٱلْأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَاوَاتِ وَ ٱلْأَرْضِ وَ ٱلْجِبَالِ فَأَبَينَ أَن يحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا ٱلْإِنسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُوماً جَهُولاً**». (احزاب/ ۷۲) در این آیه به پذیرفتن امانت الهی از طرف انسان اشاره شده است و این به‌وضوح دلالت دارد که انسان در قبال پذیرفتن این امانت، مسئولیت داشته و مورد پرسش واقع خواهد شد که قرآن کریم در جای دیگری به این نکته اشاره دارد: «**ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يوْمَئِذٍ عَنِ ٱلنَّعِيمِ**». (تکاثر/ ۸) بر این اساس، انسان در برابر نعمتی که خداوند به او ارزانی داشته، مسئول بوده و بازخواست خواهد شد.

انسان‌ها از منظر دین اسلام، بندگان خدا، مورد احترام و دارای حقوق مادی و معنوی‌اند

که این‌ها با اثبات خدا و معنویت او آغاز می‌شود. خداوند از طریق عقل و وحی (پیامبران) به انسان آموخته است که تنها با نزدیک شدن به خدا و دوری از کفر ، گناه و ظلم است که کرامت او حفظ می‌شود و دین برای حفظ کرامت و حقوق او آمده است. (رحیم پورازغدی، ۱۳۸۱: ۲۰۷)

در قرآن کریم آیات زیادی در مورد آفرینش انسان آمده است که با توجه به آن‌ها می‌توان به نگرش کامل اسلام نسبت به انسان پی‌برد. نکاتی که در این آیات در مورد انسان بسیار حائز اهمیت‌اند این هستند که اولا: پس از خلقت آغازین جسم انسان از گل، چیز دیگری به نام روح نیز به آن اضافه شده و انسان فقط آفرینش مادی نداشته بلکه علاوه برآن دارای روح الهی نیز می‌باشد. ثانیا: روح انسان که انسانیت او به همان روح است، ثابت بوده و با مرگ او از بین نمی‌رود بلکه هنگام مرگ از او گرفته شده و در جایگاه امنی محفوظ می‌ماند. پس انسان منحصر به همین بدن مادی نبوده و علاوه بر آن، روحی هم دارد که بعد از مرگ باقی می‌ماند چرا که اگر تنها بدن مادی بود، نیازی نبود که قرآن بگوید: «ثم سواه ونفخ فیه من روحه»، بلکه باید می‌فرمود که انسان را از گل و نطفه آفریدیم. (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۴۴)

انسان از دیدگاه قرآن، یکی از بنیادی‌ترین مسائل هستی پس از وجود خداوند بوده و در آفرینش او هدفی نهفته بوده (مؤمنون، ۱۵ و ۱۶) و هدف نهایی از خلقت او همانا رسیدن به مقام خلیفة اللهی است (حجر، ۲۹ و ۳۱) که تنها از طریق عبودیت حاصل می‌شود. (اعراف، ۱۲) پس طبق آیات قرآن، هستی برای انسان، انسان برای عبادت، عبادت برای تقوای الهی و تقوا برای رستگاری انسان است. (بقره، ۵) (هاشم زاده و همکاران، ص۳۹۴)

به طورکلی، در روی‌کرد غربی، به‌انسان صرفاً به عنوان موجودی مادی توجه شده است؛ اما در روی‌کرد اسلامی به تمام ابعاد و شخصیت انسان توجه شده و برای همة ابعاد وجودی انسان، برنامه‌های ویژه وجود دارد.

۱-۳. نقش انسان در تعیین سرنوشت

انسان موجودی انتخاب‌گر و مختار بوده و این توانایی به او داده شده که با انتخاب خود، راه حق یا باطل را برگزیده در نتیجه هدایت یابد یا گمراهی پیشه کند. (انسان/۳) او می‌تواند

آزادانه زندگی پایدار را انتخاب کند یا حیات فناپذیر را و نتیجهٔ انتخاب او در تعیین سرنوشتش تأثیر به‌سزایی دارد. هر عمل انسان در این دنیا نتیجه‌ای را به دنبال داشته و او هرگز از نتایج کردار مطلوب یا نامطلوب خود بی‌بهره نمی‌ماند. (انبیاء/ ۴۷) براین اساس، نه تنها تلاش‌های انسان از دست نمی‌رود، بلکه آنچه برای او می‌ماند، نتیجهٔ تلاش‌های اختیاری اوست. (زلزال/ ۷و۸) نه دیگران می‌توانند سرنوشت او را تغییر دهند و نه او مسئول سرنوشت و اعمال دیگران است. (نجم/۳۸)

قرآن کریم در طی آیاتی چند، به نقش انسان در تعیین سرنوشت خود پرداخته و می‌فرماید: «آن لا تزر وازرة وزر اخری و ان لیس للانسان الا ما سعی و ان سعیه سوف یری ثم یجزاه الجزاء الأوفی» (نجم/۳۸-۴۱)؛ «هیچ بردارنده‌ای بار گناه دیگری را برنمی‌دارد و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست، و نتیجهٔ کوشش او به زودی دیده خواهد شد سپس هرچه تمام‌تر وی را پاداش دهند»

در این آیات شریفه چند نکتهٔ کلیدی و مهم بیان شده است: اول این‌که نتایج اعمال انسان به خود او برگشت می‌کند؛ دوم این‌که هرکس مسئول عمل خودش بوده و کسی بار دیگری را به دوش نمی‌کشد؛ سوم این‌که هر کسی نتیجهٔ تلاش خود را خواهد دید؛ چهارم این‌که پاداش هر عملی به‌نحو کامل دریافت و به‌صاحبش داده شده و هیچ عملی هدر نمی‌رود. آگاهی انسان از نقش اختیار و اراده در تعیین سرنوشت دنیوی و اخروی، تأثیر بس‌مهمی در سلامت و آرامش روانی او داشته و موجب می‌شود که وی تن به کسالت و تنبلی نداده و با دل‌گرمی تمام به سعی و تلاش بپردازد؛ زیرا می‌داند که نتیجهٔ سعیش قطعا روزی به او باز خواهد گشت. (مهدوی‌راد، ۱۳۹۰: ۱۸۵)

بررسی تأثیر جهان‌بینی غربی و اسلامی بر سبک زندگی

سبک زندگی در هر کشور و نظامی، خواه و ناخواه بر یک نوع جهان‌بینی مبتنی است. در واقع سبک زندگی انسان نوعی از ایدئولوژی و نوعی از «بایدها و دستورها» است که این «بایدها» نیز از «هست‌ها» یعنی جهان‌بینی سرچشمه می‌گیرند؛ لذا تا «هست‌ها» را ندانیم، ممکن

نیست «بایدها» را بشناسیم. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۵) بنابراین، نظام‌های اجتماعی و مدل زندگی آن‌ها دارای یکسری رسالت‌ها و اهدافی هستند که متکی بر یک نگاه و جهان‌بینی خاص می‌باشند.

اهداف و آرمآن‌هایی که یک مکتب و جهان‌بینی ارائه نموده و همین‌طور نوع نگاهی که او به جهان، انسان و زندگی دارد، بر نظام اجتماعی و سبک زندگی او تأثیر جدی می‌گذارد.

به‌طور مثال در یک نظام سرمایه‌داری که هدف نهایی آن حداکثر تولید می‌باشد، نگاه به نیروی انسانی به‌عنوان چرخ‌دنده‌های یک ماشین تولید کالا است؛ ولی در نظام اسلامی با توجه به نوع جهان‌بینی و نوع نگاهی که به انسان دارد، هدف آن خدمت به انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات و هموار کردن مسیر تکامل برای اوست. (درخشان‌فر، ۱۴۰۲: ۲۴۳)

الف) تأثیر جهان‌بینی غربی بر سبک زندگی

طبق گفته‌های پیشین، نگرش غالب در جهان‌بینی غربی نسبت به هستی، ماده‌گرایی بوده و تبیین آن در رابطه با انسان، بر اساس بعد مادی آن است. در حالی که جهان‌بینی در مکتب اسلام، جهان‌بینی توحیدی است که خداوند را به عنوان خالق، مدیر و مدبر جهان هستی و در رأس امور می‌بینند. (درخشان‌فر، ۱۴۰۲: ۲۴۳)

سبک زندگی غربی و مدیریت آن براساس فاشیسم، اومانیسم، لیبرالیسم، منفعت گرایی و سودپرستی بوده (احمدی و همکاران، ۱۳۸۳، ص۴۲) و از دیدگاه مکاتب غربی، هدف در رسیدن به سود و بهره وری بیشتر است و به ارزش‌های انسانی در حد توجه به محصول اکتفا می‌شود.

طبق تعاریف و مبانی به‌دست‌آمده از مکاتب متعددی مثل مکتب کلاسیک و غیره، انسان به‌عنوان موجودی ماشینی و مکانیکی تلقی شده است. در روی‌کرد کلاسیک، همه فعالیت در جهت تحقق اهداف سازمان، افزایش کارایی، بهره‌وری و اثربخشی است. نئوکلاسیک‌ها به دنبال جای‌گزین‌کردن عاطفه به جای انگیزه‌های مادی بوده و ایجاد انگیزة عاطفی، روابط، روحیه و پوشش ظاهراً انسانی در جهت تحقق اهداف سازمانی برنامه‌ریزی شده است و در همه این مکاتب منافع مادی در درجه اول و انسان به‌عنوان یک ابزار و وسیله در درجه چندم

اهمیت است. (درخشان‌فر، ۱۴۰۲: ۲۴۳)

جهان‌بینی‌های غربی و ماتریالیستی نیز با نوع نگاهی که به‌مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و غیره دارند، همهٔ ابعاد وجودی انسان را بر اساس قوانین مادی توجیه نموده و قوانینی را که بر وجود انسان حاکم‌اند، شعبه‌هایی از قوانین مادی تلقی کرده و آن‌ها را فقط براساس این نگرش تحلیل می‌کنند. (همان)

ب) تأثیر جهان‌بینی اسلامی بر سبک زندگی

سبک زندگی در اسلام به معنای ادارهٔ امور و بهره‌برداری صحیح از نعمات خداوند براساس جهان‌بینی توحیدی است. یعنی همه اعمال و رفتار انسان باید براساس جهان‌بینی توحیدی باشد و او موظف است که اعمالش را با این جهان‌بینی تطبیق دهد.

در نظام اسلامی، هدف، رشد و تعالی انسان در جهت رضایت خداوند و قرب الی‌الله بوده و حداکثر بهره‌وری، حفظ ارزش‌ها دانسته شده و اولویت با کاری است که برای این هدف مفیدتر واقع شود. (درخشان‌فر، ۱۴۰۲: ۲۴۳)

انسان از نگاه مکتب توحیدی، به عنوان خلیفةالله بوده و خودش هدفی است که وسایل و ابزار دیگر در جهت کمال و رشد او به‌کار گرفته می‌شود نه اینکه او خودش وسیله برای امور دیگر باشد؛ به‌نحوی که در قرآن به این مطلب تصریح شده است: «وإذ قال ربك للملائكة إنی جاعل فی الأرض خلیفة...». (بقره/۳۰)

انسان از نظر اسلام، مستقل، آزاد (زمر، ۱۸؛ بقره، ۲۰)، مسلط بر طبیعت، زمین و آسمان (لقمان، ۲۰)، مسئول خویش و جهان (بقره، ۴۸)، دارای ظرفیت نامحدود علمی و برخوردار از شرافت و کرامت ذاتی (اسراء، ۷۰؛ یوسف، ۵۰) بوده و حق استفاده مشروع از همهٔ نعمات خداوند (انعام، ۱۰۴) را داشته و در برابر خدا و خالق خودش دارای تکلیف بوده (همان) و اوست که باید زندگی را منطبق با اهداف وجودی خودش پی‌ریزی کند. اینجاست که اثرات جهان‌بینی در سبک زندگی بروز کرده و از طریق میزان سهم ارزش‌های اسلامی در تعیین اهداف و خط‌مشی‌ها، روش‌های علمی و غیره، ظاهر می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۷۰)

اینجاست که با یک نگاه کلی به جهان‌بینی اسلامی متوجه اثرات آن در تعیین سبک زندگی اسلامی شده و نقش بنیادین آن را در ایجاد یک مدل زندگی متمایز از مکاتب دیگر درخواهیم یافت. زیرا تمایز سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی در جوامع کاپیتالیستی، کمونیستی و یا هر نوع جامعه دیگری در این نکته نهفته است که زندگی اسلامی متکی و مبتنی بر حق محوری، آخرت گرایی، عدالت طلبی، معنویت طلبی، صداقت‌گرایی، خدامحوری و وحی گرایی است. (علی احمدی و همکاران، ۱۳۸۳، ص۴۲) اما سبک زندگی غربی و مدیریت آن براساس فاشیسم، اومانیسم، لیبرالیسم، منفعت گرایی و سودپرستی است. (همان)

بروز آثار جهان‌بینی اسلامی در سبک زندگی

اثرات جهان‌بینی اسلامی در ساحات مختلف زندگی انسان بروز داشته و در ابعاد گوناگون آن اعم از فردی، اجتماعی، جسمی، روحی، مادی و معنوی قابل مشاهده می‌باشد که در این نوشتار به تعدادی از آن اثرات در ابعاد مختلف اشاره می‌گردد:

۱. تکیه‌گاه محکم و رستگاری

از اثرات مهم جهان‌بینی اسلامی بر سبک زندگی این است که انسان خود را متکی به تکیه‌گاه محکمی احساس کرده که زوالی برای آن نیست و همیشه انسان را از مهالک نجات می‌دهد و آن تکیه‌گاه، همان عروةالوثقی یا همان ریسمان الهی می‌باشد که انسان مؤمن با چنگ‌زدن به‌آن، خود را از هر پرتگاهی می‌رهاند.

قرآن کریم در این مورد می‌فرماید:

لا إِكْراهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ فقد استَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقى لاَ انْفِصامَ لَها وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (البقرة: ۲۵۶)؛ در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابراین، کسی که به طاغوت (بت و شیطان، و هر موجود طغیان‌گر) کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیرهٔ محکمی چنگ زده است، که گسستنی برای آن نیست، و خداوند، شنوا و داناست.

از همه مهم‌تر این‌که چنگ زدن به‌ریسمان الهی وقت انسان را از مهالک نجات دهد، قطعا همین باعث رستگاری او نیز می‌گردد؛ زیرا انسانی که با چنین ایمانی ظاهر شده و می‌خواهد در پناه الهی باشد، مسلما متقی و رستگار خواهد بود. قرآن می‌فرماید:

لَا تَجِدُ قَوْمًا يؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيوْمِ الآخِرِ يوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ... أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ .... (مجادله/۲۲)؛ هیچ قومی را که ایمان به‌خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، ....؛ آن‌ها «حزب اللَّه»اند؛ بدانید «حزب اللَّه» پیروزان و رستگارانند.

۲. هدف‌دار شدن زندگی

یکی دیگر از اثرات ارزشمند جهان‌بینی اسلامی بر سبک زندگی، هدف‌مند بودن انسان در کارهاست. زیرا انسان مؤمن و باورمند می‌داند که به‌خودی خود به وجود نیامده و کسی که او را خلق کرده و به‌صحنهٔ گیتی آورده خداوندی حکیم بوده است و او کسی است که انسان را برای هدف بس‌بزرگی که همانا جانشینی او در زمین «انی جاعل فی الارض خلیفة» (بقره/۳۰) و عبودیت او است «ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون»، (ذاریات/۵۶) آفریده است و می‌داند که حساب و کتابی در راه بوده و روزی از اعمال و کردار کوچك و بزرگ پرسیده می‌شود «کل نفس بما کسبت رهینة»؛ (مدثر/۳۸) بنابراین، او در تمام مراحل زندگی مواظب بوده و سبک زندگی و رفتارش را طوری تنظیم می‌کند که فردای قیامت در حضور پروردگار شرمنده نباشد.

۳. نزول برکات

یکی از پیامدهای مهم جهان‌بینی اسلامی در زندگی که از جملهٔ مهم‌ترین فوائد مادی نیز محسوب می‌شود این است که این مسأله باعث نزول برکات در زندگی می‌باشد. زیرا کسی که باور به خالق جهان هستی و باور به مبدأ و معاد داشته و زندگی خود را بر اساس آن تنظیم نموده و تلاش داشته باشد که بر وفق آن عمل نموده و در زندگی تقوای الهی را پیشهٔ خود سازد، مسلما بر اساس وعدهٔ الهی برکات در زندگی شامل حال او خواهد شد.

انسان برای برطرف کردن مشکلاتی چون فقر و کمبودها، بیشتر به‌عوامل طبیعی آن‌ها توجه

نموده و برنامه‌هایی از این‌طریق انجام می‌دهد. اما قرآن کریم از علل دیگری یاد می‌کند که برتر از علل مادی بوده و هرگز نمی‌توان با علم و تجربه به آن واقف شد. طبق فرمودهٔ قرآن، یکی از راه‌های مهم برخورداری از برکات الهی، ایمان به خداوند در نظام هستی بوده و آیه‌ای از سورهٔ اعراف به‌این مهم گوش‌زد می‌کند:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يكْسِبُونَ؛ (اعراف/۹۶) «و چنانچه مردم شهر و دیارها همه ایمان آورده و پرهیزکار می‌شدند همانا ما درهای برکاتی از آسمان و زمین را بر روی آنها می‌گشودیم و لیکن (چون آیات و پیغمبران ما را) تکذیب کردند ما هم آنان را سخت به کیفر کردار زشت‌شان رسانیدیم.

و در مورد اهل کتاب هم می‌فرماید: «**وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ**» (مائده/۶۶)؛ «اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه از سوی پروردگار شان به سوی ایشان نازل شده عمل می‌کردند، قطعا از بالای سرشان (برکات آسمانی) و از زیر پاهای‌شان (برکات زمینی) برخوردار می‌شدند». در مقابل این آیات، فراموشی یاد خدا عامل گرفتاری به سختی‌ها است. چنانچه در آیه‌ای چنین آمده است: «**وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا**» (طه/۱۲۴)؛ «هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی سختی خواهد داشت». همهٔ این آیات می‌رساند که ایمان به‌خدا و تقوای الهی در نظام هستی باعث نزول برکات و نعمت‌های الهی و روگردانی از او باعث سختی و مشکلات در زندگی است.

۴. سلامت جسمانی

از اثرات بسیار کاربردی جهان‌بینی اسلامی بر سبک زندگی این است که این مسأله موجب تضمین سلامت جسمانی در زندگی انسان در نظا هستی می‌گردد. زیرا که انسان مؤمن دستورات بسیار متعددی را که خداوند برای سلامتی بندگان خود در زندگی روزمره بیان نموده، عمل می‌نماید که این خود باعث سلامتی می‌گردد. مثلا در دستورات دینی توصیه به رعایت نظافت شده و از خوردن خوراکی‌های مضر، مشروبات الکلی و غیره که برای سلامت جسمانی

انسان مضر بوده نهی شده‌اند که رعایت این‌ها طبعا سلامتی جسمانی را به‌دنبال خواهد داشت. (تأثیرات ایمان در زندگی، گروه اخلاق مؤسسة آموزشی و پژوهشی امام خمینی﵀، پایگاه اطلاع‌رسانی رویش اخلاق و تربیت، بخش پاسخ به‌سوالات)

۵. آرامش روحی

از دیگر کارکردهای جهان‌بینی اسلامی در زندگی روزمره این است که ایمان به خدا در نظام هستی باعث آرامش روحی انسان‌های متدین می‌گردد که برخی از آن آثار عبارتند از: ۱. افرادی که به خدا ایمان دارند، یقین دارند که او به‌عنوان یک قدرتی بی‌منتها دوست و یاور آن‌ها بوده و آنان را از تاریکی‌ها به‌سوی نور و روشنایی هدایت می‌کنند؛ «**الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور**»؛ (بقره/۲۵۷) خداوند یاور مومنان است و آن‌ها را از تاریکی به روشنایی می‌برد.

۲. ایمان به‌خدا موجب توکل کامل به او می‌شود و همین مایة آرامش مؤمنین است؛ «وَمَنْ یتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق/۳)؛ هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است.

۳. ایمان به‌خدا موجب اعتماد کامل به او گشته و افراد مؤمن با تکیه بر خداوند، نتیجه کارشان را به او واگذار نموده و یقین دارند که حتما او کارها را به‌صلاح بندگان خود تغییر می‌دهد ولو اینکه آن کار فعلا طبق میل او انجام نشود؛ «عسی ان تکرهوا شیئا فهو خیر لکم». (بقره/۲۱۶)

۴. کسانیکه به خدا ایمان دارند، همواره راضی به قضای الهی می‌باشند که این امر باعث آرامش روحی او می‌گردد. (اصول کافی-ترجمه مصطفوی، ج ۳، ص: ۷۹)

۵. کسانی که به خدا ایمان دارند، در برابر امر خدا تسلیم می‌باشند. (همان)

بنابراین، مؤمنین واقعی علی‌رغم همه مشکلاتی که سر راه آن‌ها وجود دارد، بدون هیچ ناراحتی و ترس و با آرامش کامل روحی، مشکلات را از سر راه برداشته و فراز و نشیب‌های زندگی را تا رسیدن به‌سرمنزل مقصود طی نموده و هرگز دچار بیماری‌های روحی و روانی نخواهند شد. قرآن در این مورد می‌فرماید: «**هُوَ الَّذی أَنْزَلَ السَّکینَةَ فی قُلُوبِ الْمُؤْمِنینَ**

لِيَزْدادُوا إِيماناً مَعَ إِيمانِهِمْ وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ كانَ اللَّهُ عَليماً حَكيماً» (فتح/۴)؛ «... **مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا ... لَا خَوْفٌ عَلَيهِمْ وَلَا هُمْ يحْزَنُونَ»** (بقره/۶۲)؛ کسانیکه ایمان به خدا و روز قیامت دارند ... هیچ ترس و ناراحتی بر آن‌ها نیست.

۶. لذت و نشاط معنوی

از اثرات مهم دیگری که جهان‌بینی اسلامی بر سبک زندگی دارد، برخوردار شدن انسان از یك سلسله لذت‌ها در پرتو این باور است که «لذت معنوی» نامیده می‌شود. زیرا انسان در نظام هستی از دو نوع لذت برخوردار است که لذت اولی از طریق یکی از حواس انسان حاصل می‌شود مانند لذتی که چشم از دیدن و گوش از راه شنیدن و دهان از راه چشیدن و لامسه از راه تماس می‌برد. ولی لذت دومی لذتی است که با عمق روح و جان آدمی مربوط بوده و به‌هیچ عضو خاصی اختصاص نداشته و تحت تأثیر برقراری رابطه با یك ماده بیرونی حاصل نمی‌شود؛ مانند لذتی که انسان از محبوبیت و احترام، یا از احسان و خدمت، یا از موفقیت خود و فرزند خود می‌برد که نه به عضو خاصی تعلّق داشته و نه تحت تأثیر مستقیم یك عامل مادی خارجی است.

لذات معنوی از هر لحاظ از لذات مادی قوی‌تر و پایدارترند. مثلا لذت پرستش و عبادت خدا برای کسانی که این لذت را چشیده‌اند از این همین نوع لذت است که یک انسان عابد بالاترین لذت ها را از عبادت خدا می برد.

ایمان به‌خدا در نظام هستی، حلاوت و لذتی فوق همه حلاوت‌ها و لذت‌های دارد. ارزش و لذّت معنوی آن‌گاه افزون می‌گردد که کارهایی از قبیل احسان، خدمت، کسب علم، موفقیت و غیره برای خدا انجام و از حس دینی ناشی شده و در قلمرو عبادت خدا قرار گیرد و این نوع لذت در پرتو ایمان به‌خدا و جهان‌بینی دینی میسر می‌گردد.

همین‌طور، مرتبهٔ بالای ایمان به خدا در نظام هستی چنان نشاط معنوی را پدید می‌آورد که هیچ لذتی را یارای مقابله با آن نیست و جای‌گزین آن نمی‌گردد و این همان مرتبه‌ای است که

وقتی برخی از بندگان الهی وفرشتگان مقرب به آن مرتبه نایل می‌شوند، همیشه مشغول عبادت خداوند گشته و هرگونه کسالت و تنبلی از آن‌ها دور می‌شوند.

امام علی ﷺ راجع به صفات ملائك می‌فرماید: «**فَهُمْ أُسَرَاءُ إِيمَانٍ لَمْ يفُكَّهُمْ مِنْ رِبْقَتِهِ زَيغٌ وَ لَا عُدُولٌ وَ لَا وَنًى وَ لَا فُتُورٌ**»؛ فرشتگان اسیر وگرفتار ایمان هستند (بطوری که ممکن نیست از آن دست کشیده وبرخلاف امر وفرمان الهی رفتار کنند) میل وعدول از حق، سستی و کاهلی (در عبادت) آن‌ها را از ایمان جدا ننموده است. (نهج‌البلاغه/ خطبه ۹۰)

۷. خوش بینی

از دیگر آثار جهان‌بینی اسلامی که در سبک زندگی ظهور دارد، خوش بینی به نظام هستی و جهان خلقت بوده و به تلقّی انسان از جهان شکل خاصی می‌بخشد، به‌این صورت که جهان هستی را هدف‌دار معرفی نموده و هدف آن را سراسر خیر، تکامل و سعادت می‌داند. این‌نحوه تلقّی از جهان خلقت، دید انسان را مسلما نسبت به کل هستی و قوانین حاکم برآن تغییر داده و خوش‌بینانه می‌سازد.

کسی که به مخلوق بودن و هدف‌مندی نظام هستی، تکامل و سعادت ایمان دارد، مانند کسی می‌ماند که تمام قوانین و دستورهای حکومتی کشور متبوع را صحیح و عادلانه دانسته و به حسن نیت گردانندگان آن ایمان دارد و طبعا زمینه تعالی و ترقّی را برای همه افراد فراهم می‌بیند.

از دید چنین فردی، در تشکیلات کشور کدام نقصی وجود ندارد و اگر مشکلی باشد به‌خاطر عقب‌ماندگی او و امثال اوست که وظیفه خود شان را درست انجام نداده‌اند. چنین اندیشه‌ای طبعاً او را با خوش‌بینی و امیدواری به حرکت واداشته و موجب می‌شود تا او برای غلبه بر مشکلات، از هیچ تلاشی دریغ نورزد.

بر عکس، اگر فردی تمام قوانین کشور متبوع را ظالمانه و فاسد تلقی نمود و مجبور به پیروی از آن باشد، درون چنین کسی همواره پر از کینه، عقده و اضطراب بوده و هرگز به فکر اصلاح خودش نیفتاده و هیچگاه از زندگی در آن کشور لذت نخواهد برد. مسأله در نظام هستی

نیز چنین است که انسان‌های بی‌ایمان و بدبین به نظام خلقت، هرگز از زندگی در این جهان لذت نبرده و جهان برای او چون زندان هولناکی است که مشکلات و اظطراب‌های متعددی را به‌دنبال دارد. طبق فرمودهٔ قرآن: «و مَن اَعرض عَن ذکری فاِنَّ له معیشةً ضنکا» (طه/۱۲۴)؛ هرکس از توجه و یاد من رو برگرداند، زندگی سخت و پر از فشاری خواهد داشت. بنابراین، ایمان به هدف‌مندی جهان هستی و اعتقاد به پایان خوش است که زندگی و شرایط سخت و پر پیچ‌وخم آن برای انسان آسان نموده و مانع فشار عوامل روحی و اضطراب‌آور می‌شود.

۸. امیدواری

از آثار دیگر جهان‌بینی اسلامی بر سبک زندگی، امیدوار بودن انسان به نتایج اعمال و تلاش خود در زندگی بوده و انسان امیدوار است که محصول تلاش و کردار خود را در سرای دیگر بی‌بیند؛ «**و ما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عند الله**». (بقره/۱۱۰) در منطق چنین فردی، خالق جهان نسبت به تلاش‌های او بی‌طرف و بی‌تفاوت نبوده و خدای متعال در عالم آفرینش، حامی افرادی است که در راه حق و حقیقت، درستی، عدالت و خیرخواهی تلاش می‌کنند: «**ان تَنصُروا اللّهَ ینصُرکُم**» (محمد: ۷) اگر خدا را یاری کنید (در راه حق گام بردارید) خداوند شما را یاری می‌کند. همین‌طور چنین انسانی مطمئن است که اجر و پاداش نیکوکاران هرگز هدر نمی‌رود: «**فَإِنَّ اللَّهَ لَا یضِیعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِینَ**» (یوسف: ۹۰) و او همواره به کمک خداوند امیدوار بوده و در بحران‌های زندگی نه‌تنها ناامید و مضطرب نمی‌شود بلکه برای دست‌یابی به اهدافش دست یاری به سوی خداوند دراز می‌کند؛ زیرا یقین دارد که در جهان هستی، اوست که قادر مطلق بوده و بندگاه را در این مسیر یاری خواهد کرد.

۹. اطمینان خاطر

یکی از کاربردهای مهم جهان‌بینی اسلامی در سبک زندگی، اطمینان خاطر است؛ زیرا انسان فطرتا در جستجوی سعادت بوده و از تصور نایل شدن به سعادت، خوشحال و از محرومیت و آیندهٔ شوم، به‌شدت مضطرب و نگران می‌شود. معمولا آنچه که مایهٔ سعادت انسان است، اموری چون تلاش و اطمینان به‌شرایط و محیط است. مانند دانش‌آموزی پرتلاش و کوشا که

اگر به محیطی که در آنجا تحصیل نموده و به معلمی که آخر سال به او نمره می‌دهد، اعتماد نداشته باشد، در تمام ایام سال، نگرانی، اضطراب و دلهره سراپای وجودش را خواهد گرفت. جهان‌بینی اسلامی هم به انسان نسبت به جهانی که با او طرف معامله است، اعتماد و اطمینان بخشیده، دلهره و نگرانی او را نسبت به رفتار جهان در برابر انسان برطرف ساخته و به او اطمینان خاطر می‌دهد.

۱۰. احساس عزت و عدم خوف

از کاربردهای مهم دیگر جهان‌بینی اسلامی در سبک زندگی، احسات عزت انسان مؤمن است. زیرا کسی که دلش با حق تعالی پیوند خورده است، هیچ ترس و بیمی بخودش راه نداده و هموار خود را غالب می‌داند، چون او با کسی پیوند دارد که همه عوالم وجود مسخر او و در ید قدرت او هستند. «ان الله علی کل شئ قدیر» (بقره/۱۰۹)

صفت «عزت» در قرآن، برای خدا، پیامبر ﷺ و مؤمنین به کار رفته است «**و لله العزة و لرسوله و للمؤمنین**». (منافقون/۸) عزت حالتی برای روح مؤمن است که خویش را غالب می‌بیند. زیرا او ترس ندارد و ترس برای کسی است که خود را مغلوب می‌نگرد.

امام صادق علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «**ان المؤمن من یخافه کل شیء. و ذلك انه عزیز فی دین الله، و لا یخاف من شیء و هو علامة کل مؤمن**». (بحار الأنوار ج۶۴ ص ۳۰۵) همانا همهٔ موجودات از مؤمن می‌ترسند، زیرا که او به دین عزت یافته است (یعنی محکوم هواهای نفسانی نیست) و از چیزی نمی‌هراسد و این نشانه هر مؤمنی است.

حضرتش در جای دیگری می‌فرماید: «**إِنَّ الْمُؤْمِنَ یخْشَعُ لَهُ کُلُّ شَیءٍ حَتَّی هَوَامُّ الْأَرْضِ وَ سِبَاعُهَا وَ طَیرُ السَّمَاء**»؛ همانا همهٔ موجودات در برابر مؤمن فروتن هستند حتی درندگان و پرندگان. (بحار الأنوار ج۶۴ص ۷۱)

این اثر ایمانی موجب می‌شود که اهل دنیا در تاریخ همواره از اولیای الهی در اضطراب و رعب باشند. (مجتبی تهرانی، آثار فردی و اجتماعی ایمان) در نتیجه کسی که هستی را مقهور خداوند قهار دانسته و ارتباط خود را با او مستحکم کرده است، همواره عزت‌مند بوده و از کسی و چیزی

ترس و وحشتی به‌خود راه نمی‌دهد.

۱۱. بردباری در برابر مشکلات

از تأثیرات دیگر جهان‌بینی اسلامی بر سبک زندگی، ایجاد نیروی مقاومت در انسان در اثر صبر و تبدیل تلخی‌های زندگی به شیرینی است. زیرا صبر و شکیبائی میوه یقین بوده و هر که در نظام هستی یقین به‌عدل خداوند داشته باشد، می‌داند که به‌ازای هر بلا و مصیبتی به او پاداش داده خواهد باشد «و لنبلونکم بشئ من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرین*... اولئک علیهم صلوات من ربهم و اولئک هم المهتدون» (بقره/۱۵۵ و ۱۵۷) که هر عاقلی که آن‌ها را با هم بسنجد به‌خاطر رسیدن به‌ثواب، بر آن مصیبت راضی گشته و می‌داند که صبر و شکیبائی، ثواب او را مضاعف گردانده و جزع باعث نقص یا حبط آن می‌گردد.

امام علی علیه‌السلام بالاترین صفات مؤمن را حیا و صبر دانسته و فرماید: «و لا ایمان کالحیاء و الصبر» (نهج‌البلاغه/حکمت ۱۰۹)؛ هیچ ایمانی مانند شرم وشکیبایی نیست (زیرا با این دو ایمان انسان کامل می‌گردد).

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «**اَلصَّبْرُ مِنَ اَلْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ اَلرَّأْسِ مِنَ اَلْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ اَلرَّأْسُ ذَهَبَ اَلْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ اَلصَّبْرُ ذَهَبَ اَلْإِيمَانُ**» (کافی، ج ۲، ص۸۹)؛ صبر نسبت به‌ایمان مانند سر است نسبت به تن، هر گاه سر برود تن می‌رود، همچنین هر گاه صبر برود ایمان می‌رود.

پس می‌توان گفت اساسی‌ترین وپرفضیلت‌ترین صفت مؤمنین، صبرآن‌ها در نظام هستی می‌باشد که زندگی انسان در سایة صبر و شکیبایی بسیار پربار خواهد شد.

۱۲. فوائد متعدد اجتماعی

از دیگر اثرات بسیار ارزش‌مند جهان‌بینی اسلامی بر سبک زندگی، تأثیر اجتماعی آن است که انسان‌های مؤمن در نظام هستی در زندگی خود مشاهده می‌کنند؛ مانند: ۱- تأمین حوائج مادی دیگران (توبه/۷۱، انفال/۳)؛ ۲- امر به معروف و نهی از منکر (توبه/۷۱، آل عمران/۱۱۴)، ۳-

همیاری و تعاون با مردم (توبه/۷۱)؛ ۴- رفتار متواضعانه با مردم (فرقان/۶۳)؛ ۵- پیشی‌گرفتن در امور خیر (مؤمنون/۵۹)؛ ۶- عدم طرح دوستی با کافران (مجادله/۲۲)؛ ۷- سعی و کوشش در امانت‌داری و ادای امانات (مؤمنون/۸)؛ ۸- وفای به تعهدها و قراردادها (مؤمنون/۸)؛ ۹- صداقت در گفتار (نهج‌البلاغه/ حکمت ۴۵۰)؛ اتحاد، اخوت و همبستگی؛ ۱۰- استقرار عدالت اجتماعی؛ ۱۱- دوری از فساد و انحرافات؛ ۱۲- برقراری امنیت اجتماعی و موارد متعدد دیگری که این نوشتار گنجایش توضیح مفصل آن‌ها را ندارد.

حیات طیبه محصول نهایی جهان‌بینی اسلامی

نتیجه و محصول نهایی جهان‌بینی اسلامی همان حیات طیبه و پاک‌زیستی در دنیا بوده و کسی که سبگ زندگی خود را بر چنین جهان‌بینیی پایه‌ریزی می‌کند، طبعا نتیجهٔ نهایی آن، این‌چنین حیاتی خواهد بود و مسلما حیات دنیوی هنگامی ارزش‌مند می‌شود که متصف به صفت «طیبه» گردد. «طیب» به معنای خوبی، پاکی و ضد «خبیث» بوده و حیات طیبه، حیاتی است که پاکیزه و مفید است. زیرا، انسان قرآنی یک حیات طبیعی دارد که همان حیات مشترک با سایر موجودات است و یک حیات معنوی و روحانی که نتیجه اطاعت خدا و دعوت پیامبر ﷺ است «استیجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم». (انفال/ ۲٤) واقعیت اشتغال به حیات طبیعی، چیزی جز لهو و لعب نبوده: «و ما هذه الحیاة الدنیا الا لهو و لعب». (عنکبوت/۶۴) و انسان همواره پیچیده در سختی‌ها و مشکلات و آمیخته با اوهام و آرزوها است. اما حیات معنوی، حقیقتی جز پایان سختی‌ها و فعلیت‌یافتن استعدادها و رسیدن به آرامش ندارد. (مهدوی‌راد، ۱۳۹۰: ۱۷۸-۱۸۳)

قرآن کریم این نوع حیات را «حیات طیبه» نامیده و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را احابت کنید...». (انفال/ ۲٤) و سپس اذعان می‌دارد منظور از حیات، همان حیات طیبه است که نتیجهٔ دو عامل ایمان و عمل صالح می‌باشد؛ «هرکس (از مرد یا زن) کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات حقیقی بخشیم». (نحل/ ۹۷)

روشن است که آیه شریفه، حیات طیبه را به دنیا یا آخرت مقید نکرده است؛ پس نمی‌توان آن را فقط به زندگی خوب پس از مرگ منحصر کرد. برای رسیدن به حیات طیبه اخروی، طبعاً باید حیات طیبه مناسب این دنیا که مقدمه آخرت است، ممکن باشد. (مهدوی‌راد، ۱۳۹۰: ۱۷۸-۱۸۳)

علامه طباطبایی‌ﷺ در مورد حیات طیبه می‌گوید: «این حیات جدید و اختصاصی، جدای از زندگی سابق که همه در آن مشترک‌اند نیست؛ در عین اینکه غیر آن است با همان است. تنها اختلاف به مراتب است نه به عدد» (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۳۴۳). پس کسی که دارای حیات طیبه است، زندگی او روشن‌تر، قوی تر و دارای آثار بیشتر است. آثاری چون: حیات آگاهانه، بهره‌مندی از نعمت‌های الهی در مسیر تکامل، رهایی از قیود جسمانی، حرکت مستمر به سوی تعالی و تکامل، عبور از مسیر خام طبیعی و دست‌یابی به هدف اعلای زندگی که همان عبودیت و رسیدن به سعادت است. (مهدوی‌راد، ۱۳۹۰: ۱۷۸-۱۸۳)

نتیجه

جهان‌بینی اسلامی به عنوان منظومه‌ای از شناخت‌ها و باورهای اسلامی، دگرگونی و آثار عمیق و وسیعی را در سبک زندگی انسان پدید می‌آورد. در پرتو این دگرگونی شناخت‌ها، باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، رفتارها و کردارهای انسان به سمت این نوع از جهان‌بینی منعطف شده، و سبکی از زندگی را پی‌ریزی می‌کند که استعداهای فطری و درونی انسان شکوفا و در مسیر ویژه هدایت شده و به تکامل می‌رسد. سبک زندگی اسلامی متفاوت با سبک زندگی مکاتب و نحله‌های غیر اسلامی بوده و از ویژگی‌های آن این است که با تمام ابعاد زندگی افراد اعم از مادی و معنوی مرتبط است.

با بررسی جنبه‌های متعدد سبک زندگی اسلامی پی‌خواهیم برد که سبک زندگی از سه سطح کلی نگرش، گرایش و کنش برخوردار است. بخش نگرش که همان جهان‌بینی است ناظر بر مجموعه‌ای نظام‌مند از اعتقادات و باورهای دینی شامل معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی است که برای انسان هویت‌ساز است. بخش گرایش که شامل هنجارها و

ارزش‌ها است که به توانایی‌ها و سلایق افراد و گروه‌ها در اجتماع جهت داده و مسیر را مشخص می‌کند که این مسیر در واقع به‌آن سمتی است که در جهان‌بینی ترسیم شده است. بخش کنش نیز شامل الگوها و شیوه‌هایی است که منطبق بر ارزش‌ها و هنجاها بوده و در آموزه‌های اسلامی تبیین شده است.

مؤلفه‌های جهان‌بینی عبارتند از: معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی که نظریة مکاتب غربی با مکتب اسلام در این خصوص تفاوت زیادی داشته و معمولا این موارد در مکاتب غربی از جنبة مادی تحلیل شده و فراتر از آن به‌خاطر غیرتجربی و غیرحسی بودن مردود شده و غیرواقعی و احیانا از خرافات قلمداد می‌شوند که اعتقاد به آن اجباری نبوده و الزامی ندارد؛ اما در مکتب اسلام علاوه بر نگرش مادی، از لحاظ معنوی نیز به‌این مؤلفه‌ها نگریسته شده و بهای اصلی به جنبة معنوی داده شده است. انسان در جهان‌بینی الهی از طریق عقل و وحی می‌تواند، ورای ماده به امور غیبی چون خدا و خالق هستی، معاد، ملائکه و امور مهم دیگر پی‌برده و هدف‌مندی هستی و ارتباط تنگاتنگ دنیا و آخرت را درک نماید.

با گرایش هرنحله و مکتبی به سمت یک جهان‌بینی خاص، سبک زندگی نیز متغیر خواهد شد و از همین‌روست که سبک زندگی غربی با زندگی اسلامی متفاوت بوده و غربی‌ها همه دارای سبک زندگی مادی و مسلمانان دارای سبک زندگی توام با مادی و معنوی برای رسیدن به تکامل و سعادت است. براین اساس، زندگی مسلمان با تأثر از نوع جهان‌بینی آنها، همراه با آرامش روحی، خویش‌بینی، امیدواری، هدف‌مندی، احساس عزت، سلامت جسمانی، نزول برکات، نشاط و شعف معنوی، متکی به تکیه‌گاه محکم و فواید متعددی در زندگی اجتماعی بوده که همة این موارد در نهایت منجر به حیات طیبه و پاک‌زیستی می‌شود.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابوئی و دیگران، ***مقایسهٔ تحلیلی نگرش غربی حفاظت با جهان‌بینی اسلامی در تبیین و جوه فراکالیدی میراث معماری***، پژوهش‌های معماری اسلامی، (۴)، بی‌جا، سال ۱۳۹۴.

ایمان، محمدتقی و احمد کلاته ساداتی، ***روش شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان***، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سال ۱۳۹۹.

پورجوادی، نصرالله و میان محمد شریف، ***تاریخ فلسفه در اسلام***، تهران، انتشارات ستاد انقلاب فرهنگی، مرکز نشر دانشگاهی، سال ۱۳۹۱.

پولادی، کمال، ***تاریخ اندیشه سیاسی در غرب (قرن بیستم)***، تهران، انتشارات مرکز، ۱۳۹۸.

جوادی آملی، عبدالله، ***تفسیر موضوعی قرآن‌کریم***، قم، مرکز نشر اسراء.، ۱۳۷۷.

ـــــــــــ، ***حق و تکلیف در اسلام***، قم، نشر اسراء. سال ۱۳۸۶.

درخشان‌فر، تورج و همکاران، ***تبیین و مقایسه پیش‌فرض‌های جهان‌بینی در روی‌کردهای اسلامی و غربی***، دوفصلنامه مطالعات دین، معنویت و مدیریت، سال دهم، شماره۱۸، بهار و تابستان ۱۴۰۲.

رجبی، محمود، ***انسان‌شناسی***، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، سال ۱۳۹۰.

رحیم پورازغدی، حسن، ***اسلام و مدرنیته (عقل گرایی و انسان گرایی)***، کتاب نقد، بی‌جا، بی‌نا، سال ۱۳۸۱.

ـــــــــــ، ***چهارگفتار***، تهران، انتشارات طرح فردا، سال ۱۳۹۲ ب.

شیروانی، علی، ***کلیات فلسفه***، تهران، انتشارات اندیشه مولانا، سال ۱۳۹۵.

طباطبایی،سید محمدحسین، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، قم، جامعة مدرسین، بی‌تا.

علیپور، مهدی و سیدحمیدرضا حسنی، ***پارادایم اجتهادی دانش دینی «پاد»***، قم انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سال ۱۳۹۴.

علی احمدی، علی رضا و حسین علی احمدی، ***مدیریت ارزشی با تکیه بر ارزشهای اسلامی***، تهران: انتشارات تولید دانش، سال ۱۳۸۳.

فرمیهنی فراهانی، محسن، ***پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت***، تهران، انتشارات آییژ، ۱۳۸۹.
فروزنده دهکردی، لطف الله و خورشید فروغی نیا، ***بررسی تأثیر دیدگاه‌های انسان‌شناسی اسلامی و غربی بر نظام ارزشی سازمان***، نشریه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، (۱)، ۱۳۹۲.
فیروزی، نعمت‌الله و همکاران، ***نقش خدامحوری و مؤلفه‌های آن در مدیریت فرهنگی***، مشهد، آموزه‌های علوم قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲۰، سال ۱۳۹۳.
قطب، سید، ***ویژگی‌های جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی***، ترجمه سید محمد خامنه‌ای، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۹۴: ۱۴
قنبریان، علی و همکاران، ***کلیات و مبانی نظری سبک زندگی اسلامی***، سایت پژوهش‌های معنوی، ۲۷ اسفند ۱۳۹۴.
کافی، مجید (۱۳۹۳)، ***«پارادایم اسلامی روش شناختی علوم انسانی»***، اسلام و علوم اجتماعی، (۱۱)، ص۲۵-۵۱، سال ۱۳۹۳.
کلینی، محمد بن یعقوب، ***اصول کافی***-ترجمه مصطفوی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
ـــــــــــ، ***الکافی***، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
کاویانی، محمد، تربیت اسلامی، ***گذر از اهداف کلی به اهداف رفتاری***، مجله پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن‌کریم، ش ۳، سال ۱۳۹۲.
گروه اخلاق مؤسسة آموزشی و پژوهشی امام خمینی﵀، ***تأثیرات ایمان در زندگی***، قم، مؤسسة آموزشی و پژوهشی امام خمینی﵀، بی‌تا.
مجتبی تهرانی، ***آثار فردی و اجتماعی ایمان***، بی‌تا، بی‌نا، بی‌تا.
مجلسی، محمدباقر، ***بحارالانوار لدرر اخبار الائمة الاطهار***، بی‌جا، موسسة الوفا، سال ١٤٠٤.
مرزوقی، رحمت الله، ***پارادایم اسلامی تولید علم، رهیافتی به تولید علم اسلامی تعلیم و تربیت در قلمرو علوم اسلامی***، تهران، انتشارات آوای نور، سال ۱۳۹۸(ب).
مصباح یزدی، محمدتقی، ***«تبیین مفهوم مدیری لا می»***، بی‌جا، تعاون، (۴۸)، سال ۱۳۷۹.
ـــــــــــ، ***پیش نیازهای مدیریت اسلامی***، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی﵀، سال ۱۳۹۱ (الف).
مطهری، مرتضی، ***مقدمه ای بر جهان‌بینی اسلامی (جهان‌بینی توحیدی)***، تهران: انتشارات صدرا، سال ۱۳۹۳.
مکارم شیرازی، ناصر، ***مدیریت و فرماندهی در اسلام***، قم: انتشارات هدف، سال ۱۳۷۶.

مهدوی‌راد، محمدعلی و همکاران، ***منظومه باورهای بنیادین انسان سالم از دیدگاه قرآن***، مجله فلسفهٔ دین، سال هشتم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.

میرزامحمدی، محمدحسن، حمید علیین و غفور حسنی، ***مقایسه اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه ایده الیسم و پراگماتیسم***، دانشور رفتار، (۳۰)، سال ۱۳۸۷.

میزیاک و سکتون، ***تاریخچه و مکاتب روان شناسی***، ترجمه احمد رضوانی، تهران، انتشارات پاد راه، بی‌تا.

نبوی، سیدعباس، ***انسان و جامعه توسعه یافته از دیدگاه اسلام***، بی‌جا، دانشگاه اسلامی، (۲)، سال ۱۳۷۶.

نقی پورفر، ولی الله، ***اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن***، قم، مرکز آموزش مدیریت، ۱۳۹۴.

هاشم‌زاده، معصوم؛ حمیدرضا آراسته، حسین عباسیان و حسن رضا زین آبادی، ***ارائه الگوی تعالی بر پایه قرآن کریم***، (۳)، سال ۱۳۹۸.

هاشمی رکاوندی، سید مجتبی، ***تربیت و شخصیت انسانی***، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۷۶.

Brandt, M. J., & Crawford, J. T (2020), Worldview conflict and prejudice. In Advances in experimental social psychology (Vol. 61, pp. 1-66). Academic Press. Descartes, R. (2008). Discourse on the Method of Reasoning. Tutis Digital Publishing Pvt. Ltd.

DeWitt, R (2018), Worldviews: An introduction to the history and philosophy of science. John Wiley & Sons. PP..۱۹۱-۱۸۸

Gutek, L (2013), Philosophical, ideological, and theoretical perspectives on education. Pearson Higher Ed.

Miedema, S (2006), A public, social and individual perspective on religious education. Voices from the past and the present. Studies in Philosophy and Education, ۲-۱) ۲۵), .۲۰۲-۱۹۳

Huffman, D. S. (Ed.) (2012), Christian contours: How a biblical worldview shapes the mind and heart. Kregel Academic.

Nash, R (2010), Worldviews in conflict: Choosing Christianity in a world of ideas. Grand Rapids, MI: Zondervan Press.

Naugle, D. K (2002), Worldview: The history of a concept. Wm. B. Eerdmans Publishing.